هفته‌نامه سراسری دیدگاه- فرهنگی،هنری،اجتماعی،اقتصادی
سال‌ششم،دوره‌جدید-شماره ۶۹ یکشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۱

به همت حوزه هنری استان کردستان و با بازگشایی سینما بهمن سنندج؛

گشایش بزرگ‌ترین پردیس سینمایی غرب کشور

پردیس سینمایی بهمن سنندج در مراسمی ویژه با حضور نماینده ولی فقیه در استان کردستان، رییس حوزه هنری کشور و مدیران و مسؤلان مختلف و عوامل فیلم سینمایی بوسیدن روی ماه افتتاح شد.

بعدازظهر دوشنبه ۱۰ مهرماه آنهایی که از میدان آزادی سنندج به سمت خیابان فردوسی می‌رفتند، متوجه جمعیت عظیمی می‌شدند که مقابل پردیس سینمایی بهمن ایستاده‌اند تا مراسم افتتاح این سالن را از نزدیک ببینند. در کنار مسؤلان و مدیران کشوری و استانی، روحانیون و هنرمندان شاخه‌های مختلف شهر سنندج و عوامل فیلم سینمایی «بوسیدن روی ماه» که برای آیین افتتاح این سینما آمده بودند، حضور گرم مردم سنندج جالب توجه بود؛ جمعیت انقدر زیاد بود که سالن اصلی پردیس با باز شدن دربها سریع از حاضران پر شد و صندلی‌ها کفاف حاضران را نمی‌داد.

برای افتتاح پردیس بهمن مراسمی ویژه تدارک دیده شده بود، محسن مومنی‌شریف رییس حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده معاون هنری حوزه هنری، ایت‌الله حسینی‌شاهرودی نماینده ولی فقیه در استان، مهندس علیرضا شهبازی استاندار کردستان، محمدهادی منبتی مدیرعامل موسسه تصویر شهر نماینده سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در این مراسم، منوچهر محمدی تهیه‌کننده فیلم «بوسیدن روی ماه»، مسعود رایگان و رابعه مدنی بازیگران این فیلم، سهیل جهان‌بیگلری مدیرعامل سازمان توسعه سینمایی سوره، مصلحی مدیرکل امور استان‌ها و مجلس حوزه هنری و جمعی از مدیران حوزه هنری و مقام‌های استانی در این مراسم حضور داشتند.

مراسم ساعت ۱۷ با تلاوت آیات قرآن شروع شد و پس از آن با پخش سرود ملی ادامه یافت. اجرای مسوبقی توسط گروه چهل دف اولین بخش این برنامه بود، این گروه موسیقی مجموعه اشعاری در ستایش حضرت خمینی مرتبت محمد مصطفی(ص) خواند و پس از آن ایت‌الله حسینی‌شاهرودی با خیرمقدم به حاضران و مسؤولان و مدیرانی که در جلسه حضور داشتند گفت: خوشحالم که در این شهر فرهنگی شاهد افتتاح این پردیس سینمایی هستیم و تشکر می‌کنم از مسؤولانی که با تلاش و حمایت آنها این بنای ارزشمند به بهره‌برداری رسید. مردم هنردوست این شهر شایسته چنین هدیه‌ای هستند. پردیس سینمایی بهمن می‌تواند زمینه ارتقای فرهنگی این شهر را فراهم کند؛ این استان دارای فرهنگ غنی است، جامعه ایرانی دین و فرهنگی غنی دارد که ریشه در باورهای الهی و معنوی دارد، کتاب خدا و شریعت منابع غنی برای فرهنگ ما است. فرهنگ، فطرت انسانی و روح خداجویی در فرهنگ ما وجود دارد وی ادامه داد: در غرب انسانیت بیشتر از جنبه مادی‌گرایی دیده می‌شود، اما برای ما وجه خداجوی انسان متعالی و ارزشمند است. در هر هم به دنبال این هستیم تا این بخش را برجسته کنیم. هنر ما این است که بتوانیم در دنیای مادی امروز، ارزش‌های ناب الهی را با ابزار هنر به مردم جهان معرفی کنیم. تجربه نشان داده هرگاه هنرمندان ایرانی زیبایی‌های فرهنگ و دینمان را در اثارشان برجسته کرده‌اند مخاطب داخلی و خارجی از آن استقبال کرده است.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان ادامه داد: استان کردستان که دارای سال‌های مستقل است و خود در واقع مجتمعی فرهنگی است که انشاءالله سازمان مدیریت دارد. مردم استان ما اینجا قطعا مسجع خدمات بیشتر از اینها هستند. من تصور می‌کنم با توجه به پردیس‌هایی که ما در تهران و شهرهای دیگر داریم، اینجا به لحاظ تجهیزات شاید از بعضی از اینها بهتر باشد اگر نگویم بهترین هست. چون بعضی از دوستان معتقدند بهترین است.

● سازمان‌ها و حامیان حوزه هنری در ساخت این پروژه چه کسانی بوده‌اند و میزان همکاری و نحوه مشارکت به چه صورت بوده است؟

قطعا استاندارد نقش کلی را داشت محصولا در دوران چندی جناب افای مهندس شهبازی در پیگیری امور و حمایت از پروژه در کنار این حمایت، شرکت سینما شهر که یکی از شرکت‌های متعلق به وزارت ارشاد است و قانونا بودجه‌ی ساخت و ساز سینما را از طریق در واقع هزینه می‌شود، به ویژه مدیرعامل این شرکت جناب آقای منجی همکاری خوبی داشتند و همین‌طور حوزه هنری.

● در شهرها و استان‌های دیگر کشور مشارکت در چنین طرح‌هایی را در برنامه کاری حوزه هنری دارید؟

- بله حوزه هنری امیدوار است که امسال ۲۵ سالن به سالن‌هایش اضافه شود که تا حال با توجه به افتتاح سینمای کرمانشاه و پردیس مشهد و همچنین پردیس بهمن سنندج، فکر می‌کنم ۱۰ تا ۱۵ تا ۲۵ عدد کل فاز دادم بودیم به سازمان حوزه هنری افزوده شده است. انشاءالله امسال‌هم با افتتاح سینمای همدان و سینمای مازندران و بندر عباس به این ۲۵ تایی که قول داده بودیم برسیم.

● نگاه مجموعه حوزه هنری کشور و مدیریت آن به استان کردستان چگونه است؟

- استان کردستان دارای ویژگی‌هایی است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا بود؛ اولا به لحاظ قدمت، به لحاظ خدماتی که هم این استان داشته استان ویژه‌ای است. همیشه مردم این استان حتی اینجا ایرانی‌هایی است و پاسداران مرزهای ایران بوده‌اند. استانی هست که خاستگاه دانشمندان، علما و هنرمندان بزرگی بوده و مخصوصا بعد از انقلاب، استان کردستان از سلسله فتنه‌هایی سرافراز بیرون آمده و مردم برای حفظ کردستان، همین ایران شرکت داشته‌اند. استان کردستان متعلق به همه‌ی مردم ایران است. در این استان مردم از همه جای ایران در سرتاسر ایران عزیزانشان را فدا کردند. کردستان جل همین ایران است و کمترین استانی داریم که اینچنین ویژگی‌هایی داشته باشد. مهم‌تر از همه‌ی اینها عنصر انسانی در زندگی مردم کرد، ایمان است و همه‌ی اینها باعث می‌شود که در برنامه‌ریزی‌ها به این استان توجه ویژه‌ای بشود و مخصوصا استانی هست که متعهد است به خصوص در کارهایی که مربوط به فرهنگ و هنر می‌شود.

● در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در سطح کلان برای استان کردستان آیا به ویژگی‌های خاص فرهنگی منطقه توجه شده و برنامه‌ریزی خاص و ویژه‌ای مدنظر قرار گرفته است؟

- بله، می‌دانید که ۱- دیبات و هنر از این جهت نگاهش نگاه وسیع‌تری است که اصولا هنرمندان کردستانی همیشه در بین هنرمندان ایران درخشیده‌اند و بخش قابل توجهی از هنرمندان کشورمان کرد هستند؛ لذا مقدمه در این بودیم به سامان حوزه هنری افزوده شده است. انشاءالله امسال‌هم با افتتاح سینمای همدان و سینمای مازندران و بندر عباس به این ۲۵ تایی که قول داده بودیم برسیم.

● در تولید محصولات نمایشی، سینمایی، داستان و شعر و امثالهم آیا این اتفاق افتاد و الحمدالله وضعیتی را پیدا کرد که می‌توان گفت در شأن مخاطبین سنندج است.

● ویژگی‌های خاص سینمایی بهمن را بفرمایید؟ مأموریت‌ها، کارکردها و وظایفی که برای این مجتمع در نظر گرفته شده چه موارد‌ی هستند؟

- ببینید، به نظر می‌آید کاملاً مشخص است. وقتی یک فضای فرهنگی در یک شهر سرمایه‌گذاری و بنا می‌شود قرار است کارکردهای فرهنگی و هنری خودش را داشته باشد چه در حوزه سینما، تجسمی و آموزش که من فکر می‌کنم الان در مجموعه‌ی پردیس بهمن این اتفاق افتاده است. هم امکان سالن‌های نمایش، تئاتر و آموزش، امور مختلف هنری، گاری بزرگ و مناسبی برای امور تجسمی و عکس و مکانی برای کلاس‌های آموزشی در نظر گرفته شده است؛ یعنی وقتی که کسانی کار هنری و فرهنگی می‌خواهند انجام بدهند اگر وارد پردیس بهمن بشوند از مکان‌های مختلف فرهنگی هنری می‌توانند استفاده بهینه بکنند. برای مردم شهر این مراکز باید بسیار زیاد باشد و تعدادشان باید بیشتر شود. به نظرم می‌آید یک پردیس برای سنندج کم است و ما باید با کمک استانداری، که استاندار بسیار تلاشگر و مصمم و متعهدی دارد از استاندار محترم و از شهردار بتوانیم برای کارهای ساخت مراکز فرهنگی هنری در شهرهای دیگر کردستان کمک بگیریم.

● سازمان توسعه سینمایی سوره در شهرها و استان‌های دیگر کشور مشارکت در چنین طرح‌هایی را در برنامه کاری خود دارد؟

- من می‌خواهم بگویم که سازمان سینمایی می‌شود کمک قدمت امر سینمایی حوزه هنری مؤظف است سینماهایی که در تملک حوزه هنری است را بهینه‌سازی، بازسازی و به روز بکند. این چیزی نیست که ما به طور دفعتاً وارد شویم. این از وظایف اصلی ماست و حس می‌کنیم اگر قبلاً اتفاق نیفتاده در همه ابعاد در حال رشد و شکوفایی است و با سرعت در مسیر پیشرفت قدم برمی‌دارد، همانطور که کشورمان ایران اسلامی در حال رشد و پویایی است و توطئه‌های غرب و تحریم‌ها هم ما را از رسیدن به نقطه پیشرفت بازنمی‌دارد. استان کردستان استعدادهای درخشانی در هنر، علم و صنعت دارد. ضریب امنیت بالایی در این استان وجود دارد و خوشبختانه شرایط رو به بهبود است، افتتاح پردیس سینمایی بهمن هم یکی از امکاناتی است که شهر سنندج برای ارتقای فرهنگی مردم عزیز به آن نیازمند بود.

پس از پایان سخنان نماینده ولی فقیه در استان کردستان، لوح تقدیر و هدایایی از سوی هنرمندان حوزه هنری به استاندار آن شهر مهندس علیرضا شهبازی اهدا شد. شهبازی در سخنانی کوتاه از افرادی تشکر کرد که برای راه‌اندازی پردیس سینمایی بهمن تلاش کرده‌اند، وی گفت: از دو سال پیش که به عنوان خدمتگزار به استانداری آمدم یکی از دغدغه‌هایم وضعیت این سینما بود، خوشبختانه با تلاش شبانه‌روزی همکاران و دوستانم امروز یکی از نیازهای فرهنگی شهر سنندج تامین شده است. شهبازی گفت: این پردیس سینمایی با هزینه ۳ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسید، حضور من در این پروژه مانند یک کوهنوردی دشوار بود، دشواری‌های کار را در روز اول نمی‌دانستم اما هرچه کار پیش رفت، بیشتر متوجه بزرگی این پروژه شدم، این هدایا را به مردم فرهنگ‌دوست سنندج تقدیم می‌کنم.

پخش تیزر سینما بهمن که مراحل ساخت و ساز این سینما را نشان می‌داد، پخش بعدی این برنامه بود، سالن مملو از جمعیت در میانه‌های برنامه آنقدر شلوغ بود که گروهی از علاقه‌مندان ایستاده مراسم را دنبال می‌کردند. اهدای حکم امین مرادی رییس حوزه هنری استان کردستان توسط محسن مومنی‌شریف و مهندس شهبازی و بیانیان نماینده بیجار در مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از بخش‌های این برنامه بود.

مرادی در سخنانی از روند ساخت پردیس سینمایی بهمن و مشکلات آن گفت و تاکید کرد: این سینما بهترین سالن غرب کشور و از نظر امکانات دومین پردیس کشور است. پردیس سینمایی بهمن ۷۶۰ صندلی و جایگاه ویژه معلولان و جانبازان دارد. نگارخانه، آتلیه عکاسی، فست فود، سه سالن مجهز به سیستم دالبی دیجیتال و گیم نت و... از امکانات فرهنگی این پردیس است.

پس از پخش تیزر فیلم سینمایی «بوسیدن روی ماه» با صدای محمد اصفهانی نوبت به محسن مومنی‌شریف رییس حوزه هنری رسید تا در سخنانی کوتاه از اهمیت افتتاح پردیس سینمایی بهمن برای مردم سنندج صحبت کند، وی نیز سخنانش را با سپاس از پیشرفت قدم برمی‌دارد، همانطور که کشورمان ایران اسلامی در حال رشد و پویایی است و توطئه‌های غرب و تحریم‌ها هم ما را از رسیدن به نقطه پیشرفت بازنمی‌دارد. استان کردستان استعدادهای درخشانی در هنر، علم و صنعت دارد. ضریب امنیت بالایی در این استان وجود دارد و خوشبختانه شرایط رو به بهبود است، افتتاح پردیس سینمایی بهمن هم یکی از امکاناتی است که شهر سنندج برای ارتقای فرهنگی مردم عزیز به آن نیازمند بود.

پس از پایان سخنان نماینده ولی فقیه در استان کردستان، لوح تقدیر و هدایایی از سوی هنرمندان حوزه هنری به استاندار آن شهر مهندس علیرضا شهبازی اهدا شد. شهبازی در سخنانی کوتاه از افرادی تشکر کرد که برای راه‌اندازی پردیس سینمایی بهمن تلاش کرده‌اند، وی گفت: از دو سال پیش که به عنوان خدمتگزار به استانداری آمدم یکی از دغدغه‌هایم وضعیت این سینما بود، خوشبختانه با تلاش شبانه‌روزی همکاران و دوستانم امروز یکی از نیازهای فرهنگی شهر سنندج تامین شده است. شهبازی گفت: این پردیس سینمایی با هزینه ۳ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسید، حضور من در این پروژه مانند یک کوهنوردی دشوار بود، دشواری‌های کار را در روز اول نمی‌دانستم اما هرچه کار پیش رفت، بیشتر متوجه بزرگی این پروژه شدم، این هدایا را به مردم فرهنگ‌دوست سنندج تقدیم می‌کنم.

پخش تیزر سینما بهمن که مراحل ساخت و ساز این سینما را نشان می‌داد، پخش بعدی این برنامه بود، سالن مملو از جمعیت در میانه‌های برنامه آنقدر شلوغ بود که گروهی از علاقه‌مندان ایستاده مراسم را دنبال می‌کردند. اهدای حکم امین مرادی رییس حوزه هنری استان کردستان توسط محسن مومنی‌شریف و مهندس شهبازی و بیانیان نماینده بیجار در مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از بخش‌های این برنامه بود.

مرادی در سخنانی از روند ساخت پردیس سینمایی بهمن و مشکلات آن گفت و تاکید کرد: این سینما بهترین سالن غرب کشور و از نظر امکانات دومین پردیس کشور است. پردیس سینمایی بهمن ۷۶۰ صندلی و جایگاه ویژه معلولان و جانبازان دارد. نگارخانه، آتلیه عکاسی، فست فود، سه سالن مجهز به سیستم دالبی دیجیتال و گیم نت و... از امکانات فرهنگی این پردیس است.

پس از پخش تیزر فیلم سینمایی «بوسیدن روی ماه» با صدای محمد اصفهانی نوبت به محسن مومنی‌شریف رییس حوزه هنری رسید تا در سخنانی کوتاه از اهمیت افتتاح پردیس سینمایی بهمن برای مردم سنندج صحبت کند، وی نیز سخنانش را با سپاس از

سینما بهمن سنندج

یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین سالن‌های سینما در استان کردستان، سینما بهمن سنندج واقع در نقطه مرکزی و استراتژیک شهر سنندج است.

نمای سینما بهمن سنندج - سال ۱۳۵۰

به نقل از قدیمیان شهر سنندج زمین سینما بهمن امروزی باغ زیبایی با درختان گیلاس بوده است که صاحب آن فردی به نام عبدالحمید معرفت بوده است. عملیات خاکبرداری و پی‌کنی سینما از سال ۱۳۴۸ آغاز و سال ۴۹ کار ساختمانی آن آغاز شده است.

پیمانکاری عملیات ساخت سینما را آقای مهندس فرقانی اهل تهران برعهده داشته و مرحوم مهندس شیخ عطاری به عنوان مهندس ناظر در این پروژه همکاری داشته است. سالن اصلی نمایش دارای ۱۲ متر ارتفاع می‌باشد مساحت سینما ۱۵۰۰ مترمربع در ابعاد ۳۰×۵۰ بوده و با ۹۸۰ صندلی آغاز به کار نمود و در سالیان بعد تا ۸۸۰ صندلی کاهش یافت. تمام سنگ‌های به کار رفته در سینما از محل سنگ معدن گاوشان کامیاران تهیه شده است.

سینما شهر فرنگ کار خود را با اپارات‌های ذغالی در اواخر سال ۵۰ و با اکران «فیلم مردی از جنوب» به صورت آزمایشی و غیررسمی آغاز نمود، ولی رسماً آغاز به کار آن با اکران فیلم «لیلی و مجنون» در نوروز سال ۵۱ بود. دشن دربها سریع از حاضران پر شد و صندلی‌ها کفاف حاضران را نمی‌داد.

این سینما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با نام‌های «سینما قدس» و اکنون به اسم «سینما بهمن» فعالیت خود را ادامه داده و در خدمت شهروندان سنندجی بوده است.

در سال ۱۳۷۴ در پی سیاست‌های وقت مدیران مجتمع خدمات سینمایی حوزه هنری مبنی بر استفاده بهینه از سالن‌ها و بهره‌برداری از فضاهای موجود در طبقه فوقانی سینما اقدام به ساخت سالن کوچک با گنجایش یک‌صد و پنجاه صندلی نموده که این سالن هم با نام محلی «سیروان» در تاریخ ۷۶/۷/۱ با اکران فیلم «گبه» فعالیت خود را آغاز نمود.

اما از ابتدای خرداد‌ماه سال ۸۶ عملیات تجهیز و بازسازی آن بعد از ۴۰ سال با مشارکت استانداری کردستان و موسسه سینما شهر آغاز گردید و با تلاش دلسوزان هنر و فرهنگ استان در شهریورماه سال جاری بازگشایی شد.

کفتگو با محمد حمزه‌زاده معاون هنری حوزه هنری کشور:

درآمدهای آتی پردیس بهمن سنندج، صرف توسعه فضاهای فرهنگی خود استان می‌شود

● آقای حمزه‌زاده با سلام، هدف از شرکت شما در مراسم افتتاحیه سینما بهمن سنندج چه بوده و معاونت هنری حوزه هنری در اجرای این پروژه چه نقشی داشته است؟

- معاونت هنری حوزه در اینجا هیچ نقشی نداشته است، ما برای تشکر از زحمات رییس محترم حوزه هنری استان کردستان جناب آقای مرادی و استاندار محترم و تمام همکارانی که در این زمینه زحمت کشیده‌اند آمده‌ایم. هر جایی که فضای مناسب فرهنگی در آن ایجاد شود ما وظیفه داریم آنجا حاضر بشویم و از دست‌اندرکارانش تجلیل کنیم و هدف ما عرض خسته نباشید به تمام همکاران است.

● ویژگی‌ها و کارکردهای هنری این مجتمع سینمایی به چه صورت بوده و برنامه‌های آتی حوزه هنری در این مجتمع را بفرمایید.

- من فکر می‌کنم که هر هدف‌هایی که مجموعه سینمایی حوزه دارد بحث تولید و عرضه و پخش آثار سینمایی است به نظر می‌آید همان‌قدر که در بحث تولید باید فکر و سرمایه‌گذاری شود و فلتگذاری شود، در بحث نمایش و امکان نمایش فیلم برای تولیدات خوب باید کفه ترازوی این دو عین هم باشد، به نظرمن رسید که در برنامه‌ها این اتفاق بیافتد. همچنین باید برای تولید فیلم فکر کرد‌یم، برای ساخت و ساز و بهسازی و توزیع هم فکر کنیم. یکی از کارهایی که باید اتفاق بیافتد این است که مکان‌هایی که ما داریم برای نمایش، مثل سینماها در شان مردم و مخاطبین باشد. بعد از سال‌ها به نظر می‌آید که اغلب سینماهای ما نیاز به بازسازی و بهینه‌سازی دارند که این اتفاق دارد می‌افتد. بعضی‌ها در حال تعمیر و بازسازی هستند، بعضی‌ها در مرحله تحقیق و پژوهش و کارهای پیش بهینه‌سازی و ساخت هستند و بعضی‌ها هم در حال ساخت هستند. سینمای بهمن سال‌ها بود که در حال ساخت بود و می‌شود گفت از یک سال و نیم، دو سال پیش که مجموعه حوزه هنری وارد شدند، از مواردی بود که تمام هم و غم ما این بود که این کار را تمام کنیم؛ چه به کمک سینما شهر، استانداری و حوزه هنری

کفتگو با سهیل جهان‌بیگلری مدیرعامل سازمان توسعه سینمایی سوره:

باید با حمایت استانداری برای ساخت مراکز فرهنگی هنری در شهرهای دیگر کردستان کمک بگیریم

● آقای بیگلری با سلام، هدف از شرکت شما در مراسم افتتاح سینما بهمن سنندج چه بوده؟ و سازمان توسعه سینمایی سوره در اجرای این پروژه چه نقشی داشته است؟

- من فکر می‌کنم که هنر هدف‌هایی که مجموعه سینمایی حوزه دارد بحث تولید و عرضه و پخش آثار سینمایی است به نظر می‌آید همان‌قدر که در بحث تولید باید فکر و سرمایه‌گذاری شود، در بحث نمایش و امکان نمایش فیلم برای تولیدات خوب باید کفه ترازوی این دو عین هم باشد، به نظرمن رسید که در برنامه‌ها این اتفاق بیافتد. همچنین باید برای تولید فیلم فکر کردیم، برای ساخت و ساز و بهسازی و توزیع هم فکر کنیم. یکی از کارهایی که باید اتفاق بیافتد این است که مکان‌هایی که ما داریم برای نمایش، مثل سینماها در شان مردم و مخاطبین باشد. بعد از سال‌ها به نظر می‌آید که اغلب سینماهای ما نیاز به بازسازی و بهینه‌سازی دارند. که این اتفاق دارد می‌افتد. بعضی‌ها در حال تعمیر و بازسازی هستند، بعضی‌ها در مرحله تحقیق و پژوهش و کارهای پیش بهینه‌سازی و ساخت هستند و بعضی‌ها هم در حال ساخت هستند. سینمای بهمن سال‌ها بود که در حال ساخت بود و می‌شود گفت از یک سال و نیم، دو سال پیش که مجموعه حوزه هنری وارد شدند، از مواردی بود که تمام هم و غم ما این بود که این کار را تمام کنیم؛ چه به کمک سینما شهر، استانداری و حوزه هنری

کفتگو با محسن مومنی‌شریف رئیس حوزه هنری کشور:

استان کردستان متعلق به همه‌ی مردم ایران است

● آقای مومنی‌شریف با سلام ضمن خیرمقدم خدمت شما و هیئت همراه لطفا دلیل حضورتان را در این مراسم بفرمایید و هدف حوزه هنری از ساخت این مجتمع سینمایی را بیان کنید.

- خیلی خوشحالم که امروز شاهد یه نمر نشستن یکی از اروزهایمان بودیم، تقریبا در این دو سال اخیر که حقیر در جریان ماجرا قرار گرفتم و آمدم و از نزدیک دیدم که استانی در واقع بسیار مهربان و استانی که حقی بر گردن مملکت دارد. در مرکزش ما هنوز سینمای معتبری نداریم و شهر چنین شرایط سینمایی قدیمی دارد، خوب دغدغه‌های برای بنده و همکارانم بود. محمدالله با پیگری‌های خود مسؤولین استان و همکاران ما ساخت این سینما به سرانجام رسید. به یک سینما، بلکه یک پردیس سینمایی ایجاد شد.

● آقای مومنی‌شریف با سلام، هدف از شرکت شما در مراسم افتتاحیه سینما بهمن سنندج چه بوده و معاونت هنری حوزه هنری در اجرای این پروژه چه نقشی داشته است؟

- معاونت هنری حوزه در اینجا هیچ نقشی نداشته است، ما برای تشکر از زحمات رییس محترم حوزه هنری استان کردستان جناب آقای مرادی و استاندار محترم و تمام همکارانی که در این زمینه زحمت کشیده‌اند آمده‌ایم. هر جایی که فضای مناسب فرهنگی در آن ایجاد شود ما وظیفه داریم آنجا حاضر بشویم و از دست‌اندرکارانش تجلیل کنیم و هدف ما عرض خسته نباشید به تمام همکاران است.

● ویژگی‌ها و کارکردهای هنری این مجتمع سینمایی به چه صورت بوده و برنامه‌های آتی حوزه هنری در این مجتمع را بفرمایید.

- من فکر می‌کنم که هنر هدف‌هایی که مجموعه سینمایی حوزه دارد بحث تولید و عرضه و پخش آثار سینمایی است به نظر می‌آید همان‌قدر که در بحث تولید باید فکر و سرمایه‌گذاری شود، در بحث نمایش و امکان نمایش فیلم برای تولیدات خوب باید کفه ترازوی این دو عین هم باشد، به نظرمن رسید که در برنامه‌ها این اتفاق بیافتد. همچنین باید برای تولید فیلم فکر کردیم، برای ساخت و ساز و بهسازی و توزیع هم فکر کنیم. یکی از کارهایی که باید اتفاق بیافتد این است که مکان‌هایی که ما داریم برای نمایش، مثل سینماها در شان مردم و مخاطبین باشد. بعد از سال‌ها به نظر می‌آید که اغلب سینماهای ما نیاز به بازسازی و بهینه‌سازی دارند. که این اتفاق دارد می‌افتد. بعضی‌ها در حال تعمیر و بازسازی هستند، بعضی‌ها در مرحله تحقیق و پژوهش و کارهای پیش بهینه‌سازی و ساخت هستند و بعضی‌ها هم در حال ساخت هستند. سینمای بهمن سال‌ها بود که در حال ساخت بود و می‌شود گفت از یک سال و نیم، دو سال پیش که مجموعه حوزه هنری وارد شدند، از مواردی بود که تمام هم و غم ما این بود که این کار را تمام کنیم؛ چه به کمک سینما شهر، استانداری و حوزه هنری

حساب ویژه و علی‌الحساب برای تولید این گونه آثار به زبان کردی که زبان پیشتر مردم است، به لحاظ خدماتی چه کرده است؟ و چه کارها خواهد کرد؟

- بله. این‌ها باید در واقع برای این‌جا اتفاق بیافتد، ولی فراموش نکنیم الان همه‌جا هنرمندان دنبال زنگی هستند که بیش‌ترین مخاطب را داشته باشد. در دنیای فعلی حتما زبان‌های محلی که در هنرمندان در اینجا یک مقدار از زنگی استفاده کنند که مخاطب بیشتری دارد. ما امیدوار هستیم که از زبان‌های استفاده کنیم که از یک حیث محدود بشویم، اما این در یک جاهایی اتفاقا می‌کند و مانعی نمی‌بینیم. ممکن است شاعری باشد که به زبان محلی حرفی گفته که در دفاع از سنت‌های استان کردستان و در دفاع از ارزش‌هایش است مانعی برای تولید و نشر این گونه آثار وجود ندارد.

● عملکرد همکاراتان را در مجموعه حوزه هنری سنندج چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- حوزه هنری سنندج همانطور که می‌دانید نسبت به سایر حوزه‌های هنری قدمت زیادی ندارد و تقریباً فکر کنم عمرش به یک دهه هم نرسیده است، با این‌حال درخشش خوبی داشته است. در حوزه‌هایی مثل فیلم کوتاه هم سال در جشنواره فیلم رویش مجموعاً حوزه هنری کردستان در اینجا جلوه می‌کنند و جزو برندگان هستند و در موارد دیگری هنرمن‌طور بوده که نشان می‌دهد که این حوزه اینده بهتری دارد. خوشبختانه الان بچه‌ها جوان و دلسوز هم در رأس این حوزه هستند که هنرمندان قبولش دارند و یک همکاری و هم‌گامی را می‌توان در این مجموعه دید. ما خیلی امیدوار هستیم و همین پروژه‌ای که به سرانجام رسید نشان‌دهنده‌ی توانمندی مدیریت حوزه هنری کردستان بوده است.

امین مرادی سرپرست حوزه هنری سنندج:

حوزه هنری در صورت تامین مکان و بودجه‌های لازم در شهرهای دیگر استان پردیس سینمایی خواهد ساخت

● آقای مرادی با سلام، پروژه بازسازی سینما بهمن چه پروسه‌ی زمانی را طی کرده است؟ هدف از اجرای این پروژه توسط حوزه هنری سنندج چه بوده است؟

- این سینما پس از ۵ سال و ۴ ماه و ۹ روز به بهره‌برداری رسید در مورد هدف ما از بازسازی می‌توان گفت با توجه به قدمت سینما و فرسوده و مستهلک شدن صندلی‌ها، سیستم‌های صوتی، نوری و گرمایشی آن پس از حدود ۴۰ سال در سال ۱۳۸۵، با تخصیص مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان از اعتبارات استانی آن هم جهت تعویض آپارات و صندلی‌ها که از اساسی‌ترین موضوعات جهت مخاطب در سینما می‌باشد و همچنین سیستم‌های صوتی و نور عملاً موضوع بازسازی سینما آغاز گردید. عمر طولانی، فرسودگی تجهیزات و عدم امکانات مناسب رفاهی از مهمترین موضوعات و ضرورت‌های بازسازی بود.

● اعتبار تخصیص‌یافته به این طرح چه مقدار بوده و از چه محلی تامین شده است؟ همکاران شما در تکمیل این پروژه چه سازمان‌ها و نهادها و چه کسانی بوده‌اند؟

- استانداری محترم کردستان، موسسه سینما شهر (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و حوزه هنری مرکز (سازمان توسعه سینمایی سوره). ۳ میلیارد و اندی توسط استانداری برداخت شده و ۱ میلیارد تومان هم توسط سینما شهر و حوزه هنری مرکز.

● کارکردها و فعالیت‌هایی که در این مجموعه انجام می‌شود را بفرمایید؟

- سالن سینمایی با سیستم دالبی و امکان استفاده چند منظوره برای برپایی کنسرت موسیقی، نمایش، همایش، رکتاب‌های آموزشی و غیره با ظرفیت مجموع ۷۶۰ صندلی، فست فود، برخورداری از یکی از مجهزترین نگارخانه‌های کشور با فضایی در حدود ۳۰۰ متر، نمازخانه، گلفی‌تاب، گیم نت، یک مجموعه کامل آموزشی جهت کلاس‌های هنری در طبقه دوم، سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی مجهز، سیستم اعلام و اطفای پیشرفته حریق، تعبیه اسانسور در طبقات، پیش‌بینی سرویس‌ها مجزا برای هر بخش، سیستم مکانیزه فروش بلیط و امکان رزرو اینترنتی، بوفه مجهز، طراحی بسیار زیبای سالن با رنگ‌آمیزی و استفاده از المان‌های بسیار کیمیفرد.EBD و در کنار سازه بسیار قوی، صندلی‌های بسیار راحت، پیش‌بینی امکان استفاده جانبازان و معلولین از تمامی فضاهای طبقاتی سینما و همچنین پیش‌بینی استفاده از این مکان در معرفی بزرگان هنر و فرهنگ این دیار و ایران اسلامی.

● فضاهای جانبی سینما بهمن چگونه و به چه کسانی واگذار شده و متقاضیان دارای چه شرایطی بوده‌اند؟

- طی فراخوانی به هفته‌نامه سیروان، فضاهای جانبی به مزایده گذاشته شد. براساس مزایده اعلامی افراد واجد شرایط می‌توانستند در این مزایده شرکت نمایند و قطعاً اولویت این فضاها بر کارهای فرهنگی خواهد بود. پس از پایان مدت زمان اعلام شده افراد لیست درخواست‌های رسیده با حضور کمیسیونی متشکل از افراد حقیقی و حقوقی بررسی و نتیجه‌ی آن اعلام شود.

● آیا حوزه هنری استان در شهرهای دیگر کردستان برنامه‌ها و پروژه‌هایی شبیه سینما بهمن را در برنامه کاری خود خواهد داشت؟

- قطعاً حوزه هنری آمادگی دارد تا در صورت تامین مکان و بودجه‌های لازم و براساس نیاز استان در این خصوص اقدام نماید.

● آقای مرادی با سلام، پروژه بازسازی سینما بهمن چه پروسه‌ی زمانی را طی کرده است؟ هدف از اجرای این پروژه توسط حوزه هنری سنندج چه بوده است؟

- این سینما پس از ۵ سال و ۴ ماه و ۹ روز به بهره‌برداری رسید در مورد هدف ما از بازسازی می‌توان گفت با توجه به قدمت سینما و فرسوده و مستهلک شدن صندلی‌ها، سیستم‌های صوتی، نوری و گرمایشی آن پس از حدود ۴۰ سال در سال ۱۳۸۵، با تخصیص مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان از اعتبارات استانی آن هم جهت تعویض آپارات و صندلی‌ها که از اساسی‌ترین موضوعات جهت مخاطب در سینما می‌باشد و همچنین سیستم‌های صوتی و نور عملاً موضوع بازسازی سینما آغاز گردید. عمر طولانی، فرسودگی تجهیزات و عدم امکانات مناسب رفاهی از مهمترین موضوعات و ضرورت‌های بازسازی بود.

● اعتبار تخصیص‌یافته به این طرح چه مقدار بوده و از چه محلی تامین شده است؟ همکاران شما در تکمیل این پروژه چه سازمان‌ها و نهادها و چه کسانی بوده‌اند؟

- استانداری محترم کردستان، موسسه سینما شهر (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و حوزه هنری مرکز (سازمان توسعه سینمایی سوره). ۳ میلیارد و اندی توسط استانداری برداخت شده و ۱ میلیارد تومان هم توسط سینما شهر و حوزه هنری مرکز.

● کارکردها و فعالیت‌هایی که در این مجموعه انجام می‌شود را بفرمایید؟

- سالن سینمایی با سیستم دالبی و امکان استفاده چند منظوره برای برپایی کنسرت موسیقی، نمایش، همایش، رکتاب‌های آموزشی و غیره با ظرفیت مجموع ۷۶۰ صندلی، فست فود، برخورداری از یکی از مجهزترین نگارخانه‌های کشور با فضایی در حدود ۳۰۰ متر، نمازخانه، گلفی‌تاب، گیم نت، یک مجموعه کامل آموزشی جهت کلاس‌های هنری در طبقه دوم، سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی مجهز، سیستم اعلام و اطفای پیشرفته حریق، تعبیه اسانسور در طبقات، پیش‌بینی سرویس‌ها مجزا برای هر بخش، سیستم مکانیزه فروش بلیط و امکان رزرو اینترنتی، بوفه مجهز، طراحی بسیار زیبای سالن با رنگ‌آمیزی و استفاده از المان‌های بسیار کیمیفرد.EBD و در کنار سازه بسیار قوی، صندلی‌های بسیار راحت، پیش‌بینی امکان استفاده جانبازان و معلولین از تمامی فضاهای طبقاتی سینما و همچنین پیش‌بینی استفاده از این مکان در معرفی بزرگان هنر و فرهنگ این دیار و ایران اسلامی.

**● فضاهای جانبی سینما بهمن چگونه و به چه کسانی واگذار شده و

دیدگاه مردم

پیام کوتاه: ۱۰۰۰۲۲۴۴۲۲
تلفن: ۰۸۷۱-۲۲۲۴۴۲۲

◄ هفت‌خوان رستم بانک‌ها

سازمان صنایع دستی هیچ‌گونه حمایتی از هنرمندان صنایع دستی نمی‌کند؛ برای گرفتن چندرغاز وام باید از هفت‌خوان رستم عبور کرد. شرایط سخت بانک‌ها، سرمایه‌ی اندک و تقبل زحمت زیاد در خط تولید و... از مشکلات این قشر است. هیچ نهادی حمیت فروش و حذف واسطه و دلال اقدامی نمی‌کند.
۰۹۳۵۰۰۰۷۲۴۴

◄ نشر از نفس افتاده

با توجه به گرانی و افزایش قیمت‌های بی‌دریی کاغذ و رنگ در چاپخانه‌ها، بسیاری از ناشران دیگر تمایلی به چاپ و نشر ندارند. آیا فرهنگ و ارشاد اسلامی با هر نهاد مرتبط دیگری به فکر حل کردن مشکلات این صنف هستند؟
۰۹۳۶۰۰۰۲۹۷۴

◄ نبود امنیت در حاشیه شهر

با توجه به اینکه روزبه‌روز اوضاع اقتصادی عرصه را به همه تنگ‌تر می‌کند و با شدت گرفتن آمار جرایم و بزهکاری، لطفا نهادهای انتظامی در خصوص تأمین امنیت ساکنین حاشیه‌های شهر سنندج تدابیری بیندیشند؛ چون روزی نیست که خبر دزدی، کیف‌قاپی، تجاوز و زورگیری و... در این مناطق به گوشمان نرسد.
۰۹۱۸۰۰۰۵۹۰۱

با کسب امتیاز ۹۸ در بین مدیران استانی؛

مدیرعامل شرکت مخابرات کردستان مدیر موفق استانی شد

مدیرعامل شرکت مخابرات استان کردستان با کسب امتیاز ۹۸ در بین مدیران استانی، جزو مدیران برتر معرفی شده است. براساس اعلام مدیرکل بازرسی و مدیریت عملکرد و امورحقوقی استانداری کردستان، محمدسعید احمدی با کسب امتیاز ۹۸ در ردیف مدیران موفق استانی قرار گرفته است. مهدی ارشادی با اشاره به عملکرد سال ۹۰ احمدی در شرکت مخابرات استان گفت: براساس شایستگی و برنامه‌ریزی مدون ایشان در اجرای اهداف سازمان برخی خود می‌الیم که در استان چنین افراد لایق و کوشایی عملیات موفقی به فعالیت هستند. گفتنی است: طی حکمی با امضای استاندار در بررسی عملکرد سال ۹۰، امتیاز ۹۸ به احمدی ابلاغ شده است.

احداث مجتمع تفریحی – توریستی روستای مجسمه شهرستان بانه

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان از احداث مجتمع تفریحی - توریستی روستای مجسمه شهرستان بانه خبر داد.
امیر الهی گفت: این پروژه در زمینی به مساحت ۲ هکتار، در اراضی روستای مجسمه توسط سرمایه‌گذار بخش خصوصی در حال اجراست. وی افزود: تاکنون سرمایه‌گذار این طرح نسبت به احراز و احداث اسناد پروژه مالی، سکوی پیک‌نیک و لاجیق و همچنین سرویس بهداشتی و پارکینگ اقدام نموده و در حال حاضر پروژه از ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی برخوردار است.

تفاوت میان تربیت بدنی سابق و ورزش و جوانان امروز

سخنی با مدیرکل جدید ورزش و جوانان استان کردستان

بهروز وفایی/ عمر ریاست زیاد نیست و روزی این صندلی و آن کرسی به دست دیگری سپرده می‌شود. کرسی سراسر بلا و پایین است و لحظه‌های افتخار و لحظه‌های شکست در زندگی، امری عادی است. اما آرزوی ما برای شما همیشه خلق لحظاتی پر از افتخار است. من هم مانند دیگر علاقه‌مندان به ورزش بسیار خوشحال شدم که بالاخره ورزش استان پس از دوره‌های طولانی و مشکلات زیاد توانست دارای مدیری توانا و با انگیزه شود. سخن روز گفتن بسیار است؛ اما من ورزش و جوانان را از همه روزها بلد و بررسی کرده، اما من به جای پیش کشیدن مشکلات علمی و پژوهشی، چند مشکل عامیانه را مد نظر قرار می‌دهم چون مخاطبان بیشتری دارد.
افای تیشه‌گران علاقه‌مندان هنوز نمی‌دانند بنیاد تربیت بدنی سابق و ورزش و جوانان نیز دو قطب پویای جامعه به شما سپرده شده و نمی‌دانند سکان این دو قطب پویای جامعه به شما سپرده شده و این می‌توان عدم اطلاع‌رسانی صحیح زیرمجموعه‌ی آن سازمان در موقع به تنهایی نمی‌تواند یک راه طولانی را طی کند؛ پس مدیر موفق نیازمند زیرمجموعه‌ی موفق است. متأسفانه اکثر مدیران موفاه علاقه خود شما امتحان پس داده‌اند و نتوانسته‌اند در پست‌های خود موفق باشند و نظرات شخصی خود را بر رکن اصلی امور تحمیل می‌کنند و این خود باعث شد خستگی و بی‌برنامگی، بدنه ورزشی استان را ناتوان کند. امیدوارم در این راه گامی بلند بردارید، چون به تجربه از گذشته ثابت شده، عدم توجه به این موضوع مهم حل کردن مشکلات و رتق و فتق امور، محوله خستگان خواهد کرد.
مسائلی دیگر بعضی از همقطاران ورزشی است که هنوز راه خود را نمی‌دانند و فقط نام رییس را بدک می‌کشند و بی‌تفاوت از کنار همه‌ی بحران‌های مربوط به خودشان می‌گذرند. متاسفانه در انتخاب رابست هیئت‌ها در آغاز، همیشه دست‌هایی در کار بوده‌اند که غیر کارشناسانه و غیر مسؤولانه کاری کردند که افلان مسؤول بدون درسر به سمت رییس هیئت برسد و دلسوزان از در حاشیه قرار بگیرند. در حالی که شخص منصوب شده هیچ شناختی از رشته‌ی ورزشی که مسؤولیت آن را قبول کرده ندارد. امیدوارم که اصل کنار آن به راحتی گذشت و باید مشکلات ریشه‌کن شوند. یک مدیر موفق به تنهایی نمی‌تواند یک راه طولانی را طی کند؛ پس مدیر موفق نیازمند زیرمجموعه‌ی موفق است. متأسفانه اکثر مدیران موجود علاقه خود شما امتحان پس داده‌اند و نتوانسته‌اند در پست‌های خود موفق باشند و نظرات شخصی خود را بر رکن اصلی امور تحمیل می‌کنند و این خود باعث شد خستگی و بی‌برنامگی، بدنه ورزشی استان را ناتوان کند. امیدوارم در این راه گامی بلند بردارید، چون به تجربه از گذشته ثابت شده، عدم توجه به این موضوع مهم حل کردن مشکلات و رتق و فتق امور، محوله خستگان خواهد کرد.
مسائلی دیگر بعضی از همقطاران ورزشی است که هنوز راه خود را نمی‌دانند و فقط نام رییس را بدک می‌کشند و بی‌تفاوت از کنار همه‌ی بحران‌های مربوط به خودشان می‌گذرند. متاسفانه در انتخاب رابست هیئت‌ها در آغاز، همیشه دست‌هایی در کار بوده‌اند که غیر کارشناسانه و غیر مسؤولانه کاری کردند که افلان مسؤول بدون درسر به سمت رییس هیئت برسد و دلسوزان از در حاشیه قرار بگیرند. در حالی که شخص منصوب شده هیچ شناختی از رشته‌ی ورزشی که مسؤولیت آن را قبول کرده ندارد. امیدوارم که اصل تحت مدیریت شما کمی بیمار است و دردهایی هست که نمی‌توان از

خطردرگدی‌های این شهر

معماری شهری و زیبایی‌شناسی

■ کوش مروتی

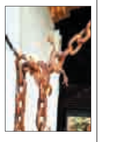

امروزه شهرها را با نمایاه‌شان می‌شناسند. بیشتر شهرها در دنیا نمادی دارند که مختص به خودشان است و این نماد در طول سالیان به دست آمده است. گذر سالیان بر شهرها نه تنها بر خوی و چهره مردمش تاثیر دارد؛ بلکه در خوش خود و در دیوار و دل‌هایش... نیز اثر می‌گذارد. گاهی این نمادها به ظاهر فیزیکی شهر ارتباط دارد (مانند ورنیز برای آب و پرتاردن بنای سک‌تراش‌هایش) و گاهی مربوط به وجهه‌ی اسطوره‌ای و اعتماد به نفس پیشین را خواهیم داشت و در مقابل پورش‌ها تنها و تنهاتر می‌ماند... و لیندا کیچمکیز و ا صمیغه‌ی کاظمی که پایش را قطع کردند، هم روشن شد که آرچه که تکنولوژی جنگ و سلسور دارد، در انجامش نیست. علم نوین پزشکی در بیمارستان‌ها تکمیلش می‌کند و تکنیک‌هایی در پنهانی‌ترین و پیچیده‌ترین اندام‌های بدن نفوذ می‌کند. این عقل، بدون هراس، بر روی بدن شهر هم خود را آزمایش کرد و عملش هم بدون تردید یک موفقیت قلمداد شده است... ولی قطع کردن پای یک انسان، به بهانه‌ی مداوا و با هرگونه مدرکی، نمی‌تواند تجاوز به حقوق انسان، برای جلوگیری از تداوم حرکت و سفر نباشد و نیز جلوگیری از حضور او در خیابان، پارک و سالن رقص و... بهره بردن از علم پزشکی در برپدن پای انسان، با هر مدرکی، نیست که گسترش «فرهنگ نشستن» و فرهنگ نشستن پدیدهای است فی‌بینسنی که فکر مصرف‌کننده‌ی ضامن صندلی، مبل و دیگر تجملات، در برای آن پنهان است. این فکر که ما می‌گوید: «هنیتوو و بفرما بنشین!» کنید، «هنیتین، بر پای ایستادن درست نیست.» «هنیتین، تا اسانی مدرن شوی!» «هنیتین، تا متمدن بودن خود را ثابت کنی!» اما مفهوم پشت‌پردی این فکر می‌گوید: «هر! بجر، چون من باید مصرف شوم. لزم استفاده کن! تا مدل‌هایم را تغییر دهم. لزم استفاده کن! تا مالک خصوصی را درک کنی و خوشبخت شوی! مرا بخر تا بازارم همیشه گرم باشد.»
این‌جاست که می‌بینیم مدرنیسم به به عنوان یک ارزش و نه به صورت رعایت حقوق بشر و احترام مسؤولیت در قبال هنوع و غیره، بلکه به صورت معماری‌ها مول و مبتذلی و از راه‌های چون ساختن مغاز و مالک، تفریحی و وقت‌گذرانی، و مدل‌های مختلف ماشین به ما می‌برد، می‌آن‌که خوشبختیان باشد، کسی و یا به اساسی مدرن تبدیلمان کنند. تمامی این پدیده‌ها به شیوه‌ای، اکثر سال‌های ما سوله‌هایی هستند که فقط محل تمرین هستند، محل حالی که یک سالن مجهز باید باید محل تمرین، سالن بدنسازی، محل استراحت و خوابگاه، سالن غذاخوری و بهداشتی و رختکن‌های مرتبی داشته باشد که حقیقتا خوابگاه نیوند. چون در ساخت سالن‌های ورزشی ما به دید پیروزش قهرمانی و استعدادیابی نگاه نشده و بیشتر به دید گذران اوقات فراغت به آن پرداخته‌اند. امیدوارم همین تجهیز سالن‌های ورزشی، ساخت یک خوابگاه و یا بهتر بگویم یک هتل ورزشی در دستور کار شما قرار گیرد. نظارت کلی بر بودجه‌های ورزشی جوانان صرف کارهایی شود که بازده مناسبی نداشته باشد.
سخن ما عامیانه بود به تخصصی. امیدوارم در اینده تخصصی‌تر به موضوعات ورزش و جوانان بپردازیم چون واقعا رکن اصلی جامعه‌ی سالم در دستان نوامند شما و کاتر شماست. خوشبختانه با اینکه شما جوان و از بدنه‌ی ورزشی و فکاعتمند به رشد ورزش استان تبعه شوید و به روزگاری نوی دنیا حرف اول رو می‌زند. کشور خودمون بزرگ‌ترین ادا و به دنیا معرفی کرده، کسایی مث فردوسی، حافظ، مولوی، سعدی، و و... حیف نیست با این سابقه‌ی فرهنگی و تاریخی، نوشته و شوخی‌شوخی، با کلماتی که اصلا معلوم نیست توسط کی، و چطوری وارد این سرزمین شدن، خدشه‌ای به این فرهنگ وارد کنیم؟
دوست جدیدم کمی یکر شد و گفت: «شما راست می‌گین، باور نمی‌کنین من اهل این چیز حرف زدنا نیستم و اصلا نمی‌دونم تبع شد که اینطوری با شما صحبت کردم. من بیشتر اوقات مطالعه هم می‌کنم.»
به خاطر این که کمی از دلخوریش بکاهم، دستم را روی شانه‌اش گذاشتم و گفتم: «به خاطر این که انسان با شعور و با سوادی هستی انتقاد کردم، اگه غیر از این بود چیزی نمی‌گفتم.»
گفتم: «از این که در مورد شما اشتباه نکرده بودم، خوشحالم. حالا که اهل مطالعه هم هستی، بهت قول می‌دم که حتما یک کاری برات پیدا کنم. راستی گواهینامه رانندگی داری؟»
گفت: «بله، اگه شرکتی باشه با ماشین کسی باشه، فرقی نمی‌کنه؛ ولی ریاضیات رانندگی را با سواد ریاضی می‌شناسند. بیشتر شهرها در دنیا نمادی دارند که مختص به خودشان است و این نماد در طول سالیان به دست آمده است. گذر سالیان بر شهرها نه تنها بر خوی و چهره مردمش تاثیر دارد؛ بلکه در خوش خود و در دیوار و دل‌هایش... نیز اثر می‌گذارد. گاهی این نمادها به ظاهر فیزیکی شهر ارتباط دارد (مانند ورنیز برای آب و پرتاردن بنای سک‌تراش‌هایش) و گاهی مربوط به وجهه‌ی اسطوره‌ای و اعتماد به نفس پیشین را خواهیم داشت و در مقابل یورش‌ها تنها و تنهاتر می‌ماند... و لیندا کیچمکیز و ا صمیغه‌ی کاظمی که پایش را قطع کردند، هم روشن شد که آرچه که تکنولوژی جنگ و سلسور دارد، در انجامش نیست. علم نوین پزشکی در بیمارستان‌ها تکمیلش می‌کند و تکنیک‌هایی در پنهانی‌ترین و پیچیده‌ترین اندام‌های بدن نفوذ می‌کند. این عقل، بدون هراس، بر روی بدن شهر هم خود را آزمایش کرد و عملش هم بدون تردید یک موفقیت قلمداد شده است... ولی قطع کردن پای یک انسان، به بهانه‌ی مداوا و با هرگونه مدرکی، نمی‌تواند تجاوز به حقوق انسان، برای جلوگیری از تداوم حرکت و سفر نباشد و نیز جلوگیری از حضور او در خیابان، پارک و سالن رقص و... بهره بردن از علم پزشکی در برپدن پای انسان، با هر مدرکی، نیست که گسترش «فرهنگ نشستن» و فرهنگ نشستن پدیدهای است فی‌بینسنی که فکر مصرف‌کننده‌ی ضامن صندلی، مبل و دیگر تجملات، در برای آن پنهان است. این فکر که ما می‌گوید: «هنیتوو و بفرما بنشین!» کنید، «هنیتین، بر پای ایستادن درست نیست.» «هنیتین، تا اسانی مدرن شوی!» «هنیتین، تا متمدن بودن خود را ثابت کنی!» اما مفهوم پشت‌پردی این فکر می‌گوید: «هر! بجر، چون من باید مصرف شوم. لزم استفاده کن! تا مدل‌هایم را تغییر دهم. لزم استفاده کن! تا مالک خصوصی را درک کنی و خوشبخت شوی! مرا بخر تا بازارم همیشه گرم باشد.»
این‌جاست که می‌بینیم مدرنیسم به به عنوان یک ارزش و نه به صورت رعایت حقوق بشر و احترام مسؤولیت در قبال هنوع و غیره، بلکه به صورت معماری‌ها مول و مبتذلی و از راه‌های چون ساختن مغاز و مالک، تفریحی و وقت‌گذرانی، و مدل‌های مختلف ماشین به ما می‌برد، می‌آن‌که خوشبختیان باشد، کسی و یا به اساسی مدرن تبدیلمان کنند. تمامی این پدیده‌ها به شیوه‌ای،

شاملو پایش از حرکت باز ماند، اما شعرش نه

نوشته: ریواز سیوانی
◄ ترجمه از زبان کردی: مظهر ابراهیمی

تقلب‌کنندگی فرهنگ نشستن و راهکاری برای فراموش کردن پاهایمان هستند و در همان حال، نقطه‌ی ارتباط ما با زمین و خاک و جامعه و دیگر انسان‌ها و این در حالی است که هماکنون شعر از هر زمانی دیگر، ما محتاج حرکت، سفر و اندوختن تجربه هستیم. به همین خاطر به جرات می‌توانم بگویم: در هیچ زمانی همچون کنون گذشته و معاصر، انسان کنونی به فراموش کردن پاهایش نسبت داده شده تا شیوه‌ی به قبول کردن وضعیت «نشستن» به عنوان شیوه‌ای از تسلیم و رضایت نسبت به آن چه به وی می‌چشند و این با مرگ وی تخت بیمارستان پایان می‌یابد. انسان معاصر از هر سو نجاز می‌شود از مدنیت خود عقب‌نشینی کند، از قرن‌ها تلاش و خستگی برای برپای ایستادن و مبدل شدن به انسانی کامل، خسته می‌شود به دوره‌ای بازگردد که در روی زانوهایش می‌ایستاد و تبدیل به همان کافی همچنی شود که تنها در پای ایستادن نداد و همچنین در حالت سجده و صعف و نیازمندی است. از هر سو به سمت همان زندگی ایدئالی سوق داده می‌شویم که ارباطمان با جهان اطراف، از راه دهان و مقعد بود، تا دهان می‌خوردیم و با مقعد دفع می‌کردیم. بر این مبنا فرهنگ نشستن، فرهنگ دهان و مقعد، فرهنگی است که به ما می‌گوید: «نشین، هرچه را که دوست داری بزات، مهیا می‌کنیم. بگیر، بخور و بروو رفع احتیاج کن! اما سات باش.» «نشین، این صندلی مال تو، هر قدر که دوست داری زیرمبلمات را بترس. اما خیالین نگذارم. نشین، این مقام از آن تو هر کاری که دلت می‌خواهد انجام بده، ولی مطیع باش.» «نشین، تو به قدرت می‌دهیم هر طور که می‌خواهی رفتار کن، اما فراموش نکن که به خاطر منافع خیلی، حق دیگران را پایمال کن.»
هنگامی که پاهایمان را از دست می‌دهیم، خواسته یا ناخواسته زانهمان را نیز از دست داده‌ایم. زیرا زانو به عنوان یکی از عوامل پیشرفت و وسیله‌ی ارتباط انسان‌ها، زادی دوره‌ای است که انسان توانست بر پای خود بایستد. و در دوره‌ی شکوفایی خود و جسم بود و با ایستادن، افقی دیگر از زندگی نمایان شد و اشتیاق وی برای توسعه‌ی دنیای خود و درک لذت پیشرفت، مجبورش کرد که زانوش را از مجموعه‌های عضلانی نظم و واحدی دستوری مبدل کند و کشاند به هر فرایند و سرنوشتی از معنا گردند. انسان با درک لذت در پای ایستادن، توانست ساکت بماند. در این اساس چنین می‌نماید که پدایش پای انسان با به عنوان سیستمی ارتباطی، نتیجه‌ی این وضعیت باشد؛ بعنی وضعیتی که در آن انسان‌ها به واسطه‌ی راه رفتن کم‌کم از هم فاصله گرفتند و در این حالت، نیازمند صدا و کلمه گشتند تا همدیگر را بفامند و محل استقرار خود را معرفی کنند. و هم‌اینگاه و پیام و احساساتش را منتقل کند. اما از دست دادن پا و تسلیم شدن در مقابل فرهنگ نشستن، زبان زبان را نیز به عنوان وسیله‌ای ارتباطی به محوه‌های آن و تاله و سیس گریه و بعد هم تکلم و کلمه خوردن و سرانجام سکوتی همیشگی تبدیل می‌کند. همین است که وقتی پاهایمان را از دست می‌دهیم، کلماتمان ناتمام شده می‌شود. مفهوم پژمرده می‌گردد، پیامها منتقل نمی‌شوند و ارتباط جای خود را به وابستگی و نیاز یک‌طرفه‌ی ما به دیگران می‌دهد و با بیهوده بگویم: آن هنگام که پایمان را فلج می‌کنند و زمین‌گیر می‌شویم، سایه‌ی دلسوزی نزدیکان روی سرمان سنگینی می‌کند؛ حال این دل‌سوزانمان را روی عشق ومحبت باشد و یا به خاطر رضایت خاطر و به هدف انجام وظیفه.
شاملو بین یک چسب در سال‌های آخر عمر نتوانست خود را از تهاجم این فرهنگ مصون دارد؛ فرهنگی که وی را با توسل به زور به دوری ابتدایی زندگی و ضعف و ذلالت کشاند و او را تبدیل به مردی نشستن کرد. اینجا پایش را از دست داد، بعد زمین‌گیر شد و سپس زمانش در هم شکست و کلماتش آشفته گشتند و نیازمند کسانی شد که مراقب سخنانش باشند. شاملو به صورت جسم، نتوانست برای همیشه ایستاده بماند اما او پیش‌تر، طی سال‌های طولانی، در دنیای شعر سفری پرمعنا و جهانگیر کرده بود که همه‌ای نالش شاعری برای نزدیک کردن انسان به انسان، بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی، به خاطر شاملو هم اندازه که بزرگمردی برای ملت خود است، به همان اندازه متعلق به جهان و به ما نیز هست. یعنی که دیگر نیاز است این مهم، زمانی کیارزیدیم که تلاش کنیم این شاعر بزرگ را از قرنطینه‌ی آثارش خودمانی کنیم. زیرا شعری که هیاکون در ذهن دارم و درخور مقایسه با وضع شاملو است. «محمد مامایی» خودمان است. مرگ او نیز، به نوعی، تسلیم شدن بود در مقابل کوچکی و عدم تکامل انسان. وی نیز سال‌ها زمین‌گیر شد، سپس زمانش درهم شکست و در پایان خاطفتان را داد و گفت: «همین‌جا بمانید ما پیش از، دنیای ما را بر از صدا و آواز کرده بود، او نیز همچون شاملو، هنگامی که زبان صدای مرگ برای همیشه چشمانش را بر هم بهاد، هدفش استراحت و تسلیم شدن در مقابل مرگ نبود، بلکه چنان عشق انسان و زندگی بر او سلطه می‌کرد که دیگر توان برای ایستادن را نداشت. شاملو در تمام دوره‌ی زندگی‌اش، وقتی خواستم بیاید شوم، با اشاره کفش یک لحظه از سر بیمار را از گورهایش بیرون بیاورد، با جمله گفت: بعدا تمامی بگیر و سیر را از داخل گوشش، در آورد و من مطمئن از این که دیگران را نیز بافا با خودش مصحب می‌کنم و هر طرفی هم که او بزند، مخاطبش من هستم. گفتم: «افا، به نظر خودتون آیا بهتر نیست گفتن: «وقتی مسافر سوار کردی، این سیم و این گوشی را برداری و اگه کار مهم و واجبی داشتی، وقتی که مسافر نداشتی، به جای خلوتی مثل همین جا که الان هستیم رسیدی، ماشین رو حوب پارک کنی و با خیال راحت صحبت کنی؟» من متوجه شدم که راستی راستی داری با خودادمات صحبت می‌کنی. ولی بعضیا طاقت نشستن بعضی حرفا رو ندارن و خیلی چیزا رو از شما قبول نمی‌کنن.»
در جوابم گفت: «شما راست می‌گین. راستش چند بار هم تصمیم گرفتم، ولی خب... این کار ما، کمی سخته. دست تنها هم هستم، اگه تنوعی هم توش نباشه، سختتر می‌شه.»
گفتم: «ولی این دلیل نمی‌شه که خدای ناکرده دستی دستی یک بار، یک گرفتاری، یک درگیری برای خودت درست کنی که تا سال‌ها نتوی خسارت‌ها و اتراقی که روی زندگیت می‌زاره، جبران کنی.»
در این حین فکری به سرعت از ذهنم گذشت؛ رو به افای راننده کردم و گفتم: «اگه کسی باشه که نمیخوت برات کار بکنه، منم تأییدش کنم، اما قول می‌کنی برات کار کنه؟»
در حالی که خوشحالی از چهره‌اش می‌بارید گفت: «چرا که نه؟ من از خدا می‌خوام فقط به شرطی که خودتون تأییدش کنین و ضامنش بشین.»
در حالی که به فکر دست سیگارفروشم بودم، گفتم: «حتماً، مطمئن باشید.»
گفت: «فردا بعدازظهر شما بیاین دور میدون اصلی شهر، هر جا برم حداکثر بعد از بیست دقیقه دوباره مسیرم به میدون میدون می‌خورد. اونجا حتما منو پیدا می‌کنین. باز هم ممنون، حتما یک فکری برای این عادتم هم می‌کنم.»
در حالی که کرایه‌اش را پرداخت می‌کرد، ادامه داد: «لطفاً همین جا نگه دارین، پیاده می‌شم.»
راننده کرایه را گرفت و ماشین را کنار خیابان متوقف کرد. مسافر در حال پیاده شدن گفت: «افا ممنون منو رسوندی، دست درد نکنه.»
راننده با عصبانیت گفت: «برو به جهنم بی شعور!»
«افا رو با توام، مگه قلب تو رو نمی‌دونی؟»
مسافر هم با تعجب و عصبانیت برگشت و خطاب به راننده گفت: «چی داری می‌گی احمق؟»
راننده گفت: «هیچ‌چیز آشنایی متوجه شدین؛ با بچام بودم، با شما نبودم که. دارم با بچام حرف می‌زنم، به شما چه مربوطه؟»
«به تو نیستم، هر چی می‌گم‌شو از شما مردی‌هاست!»
مسافر سرش را دوباره داخل ماشین کرد و گفت: «همگه ما چیکارت کردیم؟ ما رو رسوندی، پول گرفتی، مفتی که نرسوندی؟»
راننده گفت: «بیا بچمم بودم بابا!»
از در افتاد، نیازمند صدا و کلمه گشتند تا همدیگر را بفامند و محل استقرار خود را معرفی کنند. و هم اینگاه‌اند و پیام و احساساتش را منتقل کنند. اما از دست دادن پا و تسلیم شدن در مقابل فرهنگ نشستن، زبان زبان را نیز به عنوان وسیله‌ای ارتباطی به محوه‌های آن و تاله و سیس گریه و بعد هم تکلم و کلمه خوردن و سرانجام سکوتی همیشگی تبدیل می‌کند. همین است که وقتی پاهایمان را از دست می‌دهیم، کلماتمان ناتمام شده می‌شود. مفهوم پژمرده می‌گردد، پیامها منتقل نمی‌شوند و ارتباط جای خود را به وابستگی و نیاز یک‌طرفه‌ی ما به دیگران می‌دهد و با بیهوده بگویم: آن هنگام که پایمان را فلج می‌کنند و زمین‌گیر می‌شویم، سایه‌ی دلسوزی نزدیکان روی سرمان سنگینی می‌کند؛ حال این دل‌سوزانمان را روی عشق ومحبت باشد و یا به خاطر رضایت خاطر و به هدف انجام وظیفه.
شاملو بین یک چسب در سال‌های آخر عمر نتوانست خود را از تهاجم این فرهنگ مصون دارد؛ فرهنگی که وی را با توسل به زور به دوری ابتدایی زندگی و ضعف و ذلالت کشاند و او را تبدیل به مردی نشستن کرد. اینجا پایش را از دست داد، بعد زمین‌گیر شد و سپس زمانش در هم شکست و کلماتش آشفته گشتند و نیازمند کسانی شد که مراقب سخنانش باشند.
شاملو به صورت جسم، نتوانست برای همیشه ایستاده بماند اما او پیش‌تر، طی سال‌های طولانی، در دنیای شعر سفری پرمعنا و جهانگیر کرده بود که همه‌ای نالش شاعری برای نزدیک کردن انسان به انسان، بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی، به خاطر شاملو هم اندازه که بزرگمردی برای ملت خود است، به همان اندازه متعلق به جهان و به ما نیز هست. یعنی که دیگر نیاز است این مهم، زمانی کیارزیدیم که تلاش کنیم این شاعر بزرگ را از قرنطینه‌ی آثارش خودمانی کنیم. زیرا شعری که هیاکون در ذهن دارم و درخور مقایسه با وضع شاملو است. «محمد مامایی» خودمان است. مرگ او نیز، به نوعی، تسلیم شدن بود در مقابل کوچکی و عدم تکامل انسان. وی نیز سال‌ها زمین‌گیر شد، سپس زمانش درهم شکست و در پایان خاطفتان را داد و گفت: «همین‌جا بمانید ما پیش از، دنیای ما را بر از صدا و آواز کرده بود، او نیز همچون شاملو، هنگامی که زبان صدای مرگ برای همیشه چشمانش را بر هم بهاد، هدفش استراحت و تسلیم شدن در مقابل مرگ نبود، بلکه چنان عشق انسان و زندگی بر او سلطه می‌کرد که دیگر توان برای ایستادن را نداشت. شاملو در تمام دوره‌ی زندگی‌اش، وقتی خواستم بیاید شوم، با اشاره کفش یک لحظه از سر بیمار را از گورهایش بیرون بیاورد، با جمله گفت: بعدا تمامی بگیر و سیر را از داخل گوشش، در آورد و من مطمئن از این که دیگران را نیز بافا با خودش مصحب می‌کنم و هر طرفی هم که او بزند، مخاطبش من هستم. گفتم: «افا، به نظر خودتون آیا بهتر نیست گفتن: «وقتی مسافر سوار کردی، این سیم و این گوشی را برداری و اگه کار مهم و واجبی داشتی، وقتی که مسافر نداشتی، به جای خلوتی مثل همین جا که الان هستیم رسیدی، ماشین رو حوب پارک کنی و با خیال راحت صحبت کنی؟» من متوجه شدم که راستی راستی داری با خودادمات صحبت می‌کنی. ولی بعضیا طاقت نشستن بعضی حرفا رو ندارن و خیلی چیزا رو از شما قبول نمی‌کنن.»
در جوابم گفت: «شما راست می‌گین. راستش چند بار هم تصمیم گرفتم، ولی خب... این کار ما، کمی سخته. دست تنها هم هستم، اگه تنوعی هم توش نباشه، سختتر می‌شه.»
گفتم: «ولی این دلیل نمی‌شه که خدای ناکرده دستی دستی یک بار، یک گرفتاری، یک درگیری برای خودت درست کنی که تا سال‌ها نتوی خسارت‌ها و اتراقی که روی زندگیت می‌زاره، جبران کنی.»
در این حین فکری به سرعت از ذهنم گذشت؛ رو به افای راننده کردم و گفتم: «اگه کسی باشه که نمیخوت برات کار بکنه، منم تأییدش کنم، اما قول می‌کنی برات کار کنه؟»
در حالی که خوشحالی از چهره‌اش می‌بارید گفت: «چرا که نه؟ من از خدا می‌خوام فقط به شرطی که خودتون تأییدش کنین و ضامنش بشین.»
در حالی که به فکر دست سیگارفروشم بودم، گفتم: «حتماً، مطمئن باشید.»
گفت: «فردا بعدازظهر شما بیاین دور میدون اصلی شهر، هر جا برم حداکثر بعد از بیست دقیقه دوباره مسیرم به میدون میدون می‌خورد. اونجا حتما منو پیدا می‌کنین. باز هم ممنون، حتما یک فکری برای این عادتم هم می‌کنم.»
در حالی که کرایه‌اش را پرداخت می‌کرد، ادامه داد: «لطفاً همین جا نگه دارین، پیاده می‌شم.»
راننده کرایه را گرفت و ماشین را کنار خیابان متوقف کرد. مسافر در حال پیاده شدن گفت: «افا ممنون منو رسوندی، دست درد نکنه.»
راننده با عصبانیت گفت: «برو به جهنم بی شعور!»
«افا رو با توام، مگه قلب تو رو نمی‌دونی؟»
مسافر هم با تعجب و عصبانیت برگشت و خطاب به راننده گفت: «چی داری می‌گی احمق؟»
راننده گفت: «هیچ‌چیز آشنایی متوجه شدین؛ با بچام بودم، با شما نبودم که. دارم با بچام حرف می‌زنم، به شما چه مربوطه؟»
«به تو نیستم، هر چی می‌گم‌شو از شما مردی‌هاست!»
مسافر سرش را دوباره داخل ماشین کرد و گفت: «همگه ما چیکارت کردیم؟ ما رو رسوندی، پول گرفتی، مفتی که نرسوندی؟»
راننده گفت: «بیا بچمم بودم بابا!»
از در افتاد، نیازمند صدا و کلمه گشتند تا همدیگر را بفامند و محل استقرار خود را معرفی کنند. و هم‌اینگاه‌اند و پیام و احساساتش را منتقل کنند. اما از دست دادن پا و تسلیم شدن در مقابل فرهنگ نشستن، زبان زبان را نیز به عنوان وسیله‌ای ارتباطی به محوه‌های آن و تاله و سیس گریه و بعد هم تکلم و کلمه خوردن و سرانجام سکوتی همیشگی تبدیل می‌کند. همین است که وقتی پاهایمان را از دست می‌دهیم، کلماتمان ناتمام شده می‌شود. مفهوم پژمرده می‌گردد، پیامها منتقل نمی‌شوند و ارتباط جای خود را به وابستگی و نیاز یک‌طرفه‌ی ما به دیگران می‌دهد و با بیهوده بگویم: آن هنگام که پایمان را فلج می‌کنند و زمین‌گیر می‌شویم، سایه‌ی دلسوزی نزدیکان روی سرمان سنگینی می‌کند؛ حال این دل‌سوزانمان را روی عشق ومحبت باشد و یا به خاطر رضایت خاطر و به هدف انجام وظیفه.
شاملو بین یک چسب در سال‌های آخر عمر نتوانست خود را از تهاجم این فرهنگ مصون دارد؛ فرهنگی که وی را با توسل به زور به دوری ابتدایی زندگی و ضعف و ذلالت کشاند و او را تبدیل به مردی نشستن کرد. اینجا پایش را از دست داد، بعد زمین‌گیر شد و سپس زمانش در هم شکست و کلماتش آشفته گشتند و نیازمند کسانی شد که مراقب سخنانش باشند.
شاملو به صورت جسم، نتوانست برای همیشه ایستاده بماند اما او پیش‌تر، طی سال‌های طولانی، در دنیای شعر سفری پرمعنا و جهانگیر کرده بود که همه‌ای نالش شاعری برای نزدیک کردن انسان به انسان، بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی، به خاطر شاملو هم اندازه که بزرگمردی برای ملت خود است، به همان اندازه متعلق به جهان و به ما نیز هست. یعنی که دیگر نیاز است این مهم، زمانی کیارزیدیم که تلاش کنیم این شاعر بزرگ را از قرنطینه‌ی آثارش خودمانی کنیم. زیرا شعری که هیاکون در ذهن دارم و درخور مقایسه با وضع شاملو است. «محمد مامایی» خودمان است. مرگ او نیز، به نوعی، تسلیم شدن بود در مقابل کوچکی و عدم تکامل انسان. وی نیز سال‌ها زمین‌گیر شد، سپس زمانش درهم شکست و در پایان خاطفتان را داد و گفت: «همین‌جا بمانید ما پیش از، دنیای ما را بر از صدا و آواز کرده بود، او نیز همچون شاملو، هنگامی که زبان صدای مرگ برای همیشه چشمانش را بر هم بهاد، هدفش استراحت و تسلیم شدن در مقابل مرگ نبود، بلکه چنان عشق انسان و زندگی بر او سلطه می‌کرد که دیگر توان برای ایستادن را نداشت. شاملو در تمام دوره‌ی زندگی‌اش، وقتی خواستم بیاید شوم، با اشاره کفش یک لحظه از سر بیمار را از گورهایش بیرون بیاورد، با جمله گفت: بعدا تمامی بگیر و سیر را از داخل گوشش، در آورد و من مطمئن از این که دیگران را نیز بافا با خودش مصحب می‌کنم و هر طرفی هم که او بزند، مخاطبش من هستم. گفتم: «افا، به نظر خودتون آیا بهتر نیست گفتن: «وقتی مسافر سوار کردی، این سیم و این گوشی را برداری و اگه کار مهم و واجبی داشتی، وقتی که مسافر نداشتی، به جای خلوتی مثل همین جا که الان هستیم رسیدی، ماشین رو حوب پارک کنی و با خیال راحت صحبت کنی؟» من متوجه شدم که راستی راستی داری با خودادمات صحبت می‌کنی. ولی بعضیا طاقت نشستن بعضی حرفا رو ندارن و خیلی چیزا رو از شما قبول نمی‌کنن.»
در جوابم گفت: «شما راست می‌گین. راستش چند بار هم تصمیم گرفتم،

دبیر سرویس: صلاح‌الدین کریمی

یادداشت

در جست‌وجوی معنا: اهمیت و نقش فلسفه در زندگی انسان:

جواب به پرسش‌های بی‌پاسخ

بخش دوم

نسرین وکیلی
کارشناس فلسفه

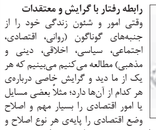

رابطه رفتار با گرایش و معتقدات

وقتی امور و شئون زندگی خود را از جنبه‌های گوناگون (روانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و مذهبی) مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که هر یک از ما دید و گرایش خاص دربارهٔ هر کدام از آن‌ها دارد؛ مثلاً بعضی مسایل یا امور اقتصادی را بسیار مهم و اصلاح وضع اقتصادی را پایه‌ی هر نوع اصلاح و تغییر اجتماعی می‌دانند و حتی روش‌های هم خاص رسیدن به این منظور پیشنهاد می‌کنند.

گروه دیگر، مسایل سیاسی را مهمتر می‌شمارند و دربارهٔ کیفیت آن‌ها اظهارنظر می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز سلامت روانی را پایه‌ی همه‌ی اصلاحات اجتماعی تصور می‌کنند؛ همچنان که برخی کیفیت اعمال اخلاقی افراد را اساس هرگونه اصلاح اجتماعی می‌دانند. رفتار هر یک از این گروه‌ها از همین گرایش‌ها و معتقدات متأثر می‌شود و پیوسته در ذهن خود راجع به موضوع مورد توجه خویش مشغول می‌اندیشد و از این قضیه برای بیان و اثبات درستی و اهمیت دید و معتقدات خود به دیگران استفاده می‌کند. همواره دربارهٔ راه‌ها و وسایل رسیدن به منظور خود فکر می‌کند تا بتواند مشکلات اجتماعی خویش را انجام بدهد؛ پس شخصی که دربارهٔ یک یا چند مساله معین، دیدگاه و نظر خاصی دارد و برای آن حل‌ها راه‌ها و وسایل پیشنهاد می‌کند، طبعاً در برخورد با چنین مسایلی رفتار خاصی از خود نشان خواهد داد.

در واقع، دلیل مسایل مطلق یکی فرد این است که رفتارش بر معتقدات خاصی مبتنی باشد و برای رسیدن به هدف‌هایی کوشش کند زیرا همین معتقدات است که او را در رفتارش رهبری می‌کنند و به فعالیت او نظم و ترتیب می‌دهند. این دیدگاه و گرایش خاص هر فرد را «فلسفه»ٔ او می‌نامیم و از همین مثال‌ها می‌توان معنا و اهمیت و حتی نقش و وظیفه فلسفه را دریافت.

شخصی که دنبال زندگی اجتماعی سالم است باید چه مواردی را مطالعه کند؟ سیاست مورد نظر چه اصول و مبانی مبتنی است؟ چه دلایلی برای اثبات درستی و ضرورت آن سیاست دارد؟ سیاست مورد نظر با سایر جنبه‌های اجتماعی چه ارتباطی دارد؟

آفرینش جدید را از پیشرفت‌های جدید

هر دانشمند سازمندار، مدنیت، هنرمند و معلم و... نیازمند عمل فلسفیدن هستند. فلسفیدن یعنی تشخیص، تحلیل و انتقاد و نهایتاً تجویز راه‌حل برای مسایل و مشکلات خود و جامعه است (شعاری نژاد).

فلسفه، فنی است که تنها برای تحصیل معتقدات و گرایش‌ها درباره مسایل زندگی و توضیح آن‌ها منحصر نمی‌شود؛ بلکه به سبب ماهیت این معتقدات و گرایش و آرزوهایی آن‌ها نیز می‌پردازد تا درستی و نادرستی آن‌ها را مشخص کند و پس از

این ارزشیابی در کمیت و کیفیت آن‌ها تجدیدنظر کند. زندگی مثل بازی بازل است و همه قطعه‌های تشریح شده و روشن را در اختیار ما قرار می‌دهد، اگر بعضی از قسمت‌های زندگی را بپذیریم و بعضی‌ها را رد کنیم، قادر نخواهیم بود که زندگی را به صورت کامل درک کنیم (ریمن). پیشرفت‌های جدید مسایلی تازه آفریده‌اند که برخی بی‌اهمیت و بعضی قابل توجه می‌باشند ولی به هر حال همه‌ی آن‌ها در مجموع برای عامه‌ی مردم سردرگمی فوق‌العاده‌ای به وجود آورده‌اند.

نقطه قوت کودکان در فلسفه

هیچ چیز فوق‌تر از حس کنجکاوی کودکان نیست؛ علاقه‌ی شدید به پرس‌وجو دارند و می‌خواهند از همه چیز سر درآورند؛ مادام سؤالاتی اساسی و پیچیده مطرح می‌کنند که بزرگ‌ترها هیچوقت نتوانسته به آن‌ها پاسخ گویند. مثلاً می‌پرسند خدا چه شکلی است؟ زمان چیست؟ بزرگی فضا چقدر است؟ اگر بخواهیم راه‌های فلسفی ریشه‌یابی این ریشه را باید در سؤالات کودکان جست.

گرچه نمی‌دانیم چه پاسخی باید به سؤالاتشان بدهیم ولی با این همه به پرسش‌های اساسی و غیرقابل پاسخشان، فاقطانه جواب می‌دهیم. روح نوپاوه‌گانمان با پاسخ‌های خام و ناپخته و قالبی که ریشه در افکار منسوخ مذهبی، فلسفی و سیاسی دارد و معمولاً از معلمان و والدین خود می‌شنوند اقناع نمی‌شوند؛ ولی چون می‌دانند که به ناچار باید آن‌ها را بپذیرند، نسبت به این مسایل بی‌تفاوت می‌شوند و به موضوع دیگری می‌اندیشند. از این‌روست که عمرشان در بزرگسالی، صرف مسایل حقیر یا امور عادی زندگی می‌شود؛ دنبال انبوهی می‌دوند، ظاهرشان را می‌آرایند، مالیات می‌پردازند، برای معاش تلاش می‌کنند، خانواده تشکیل می‌دهند، دوستان و همکارانی می‌یابند و اکثر وقتشان صرف اموری از این دست می‌شود. شبها از فدر خسته‌اند که نمی‌توانند به چیزی بیاندیشند. فقط می‌خواهند سرگرم شوند زیرا سرگرمی، آرامش‌بخش و تسکین‌دهنده است. به این ترتیب دیگر آن پرسش‌های فیلسوفانه و بسیار اندکی وجود ندارد که از این نمی‌گیرد. ولی تعداد معدود و بسیار اندکی وجود دارند که از این مرحله می‌گذرند، ادامه می‌دهند و گرایش و آرزوهایی آن‌ها را به کردوکی به دست می‌آورند. داده شده قبول ندارند و از پرسش‌ها همچنان در دهنشان وجود دارد. از همین گروه اندک است که افراد اندیشمند، شاخه‌ی از مبتکر سر بر می‌آورند و دنیای ما از تلاش‌های فکری آن‌ها شکل می‌گیرد. پیشرفت‌های بشری منوط به پرسش‌های فلسفی نمی‌شود، سؤالات آن‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند، صبر تحقیق پایان نمی‌گیرد و پرسش‌ها در پی جستجوی پیش می‌رود (جیمز فیلیمن).

در باب علل و عوامل گرسنگی و حل بحران گرسنگی:

جغرافیای گرسنگی

بخش دوم

حیدر احمدی

انسان گرسنه زیر ضربه‌های نیاز و احتیاج به غذا و خوراک از نظر روحی و روانی، بسیار حیرت‌آور می‌شود؛ گذشته از اثراتی که بر روی رفتار و کردار انسانی ایجاد می‌کند، شخصیت فرد را متلاشی و خرد می‌کند.

اشتهای مصنوعی و کاذب

اگر مواد غذایی لازم به انسان به صورت ناقص و نارسا برسد. آن‌وقت فرد دچار گرسنگی‌های نسبی و گرسنگی ویژه می‌شود و شاید در نگاه ظاهری مشکلی برای فرد پیش نیاید اما موجب به خطر انداختن سلامت روانی و جسمی فرد می‌شود که بسیاری از آن‌ها به صورت بیماری‌های مشخص ظاهر می‌شوند؛ از علایم آن‌ها برمی‌آید که دلیلش نقصان و یا نارسایی مواد غذایی کافی در بدن است و این نقصان و یا کمبود، بر اثر خلاء پروتئین و برخی چربی‌ها و مواد معدنی و همچنین ویتامین‌ها در بدن است. گرسنگی مخفی یک نوع آفت و بلا است که نشاید و نباید در نگاه می‌کند؛ نخستین اثر مخفی این نوع گرسنگی، یونخواتی غذا است و آن هم نتیجه‌ی عادت کردن به غذای محدود است. یکی دیگر از عواملی که باعث تشدید نقصان و نارسایی در بدن انسان می‌شود. ترویج و تبلیغ خوراک‌های تصفیه شده و پالایش یافته است که این خوراک‌های خود محتوی زیادی از مواد مفوق است؛ به عنوان مثال روش‌های فنی پوست گرفتن برنج (چلوکبا)، تصفیهٔ شکر (مادهٔ سفیدرنگ و براقی که به آمیزه‌ی به نام شکر مصرف می‌کنیم، یک ماده‌ی مصنوعی و تصفیه شده است که اغلب از نیشکر و یا چغندر قند گرفته می‌شود. قند موجود در نیشکر و چغندر قند بعد از عملیات جداسازی تمام املاح، ویتامین‌ها، پروتئین‌ها و آنزیم‌ها و سایر مواد معدنی و مفید در کارخانه تصفیه شده و به ساکاروز خالص تبدیل می‌شود و چیزی که بعد از پالایش باقی می‌ماند ماده‌ی مصنوعی و سمی سفید است که نه تنها هیچ خاصیت و ارزشی ندارد بلکه برای بدن انسان زیان‌های جبران‌ناپذیری دارد) و تهیه آرد سفید که همانا گرفتن پوست غلات و فقیر ساختن آن‌ها از انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی است. حال این محصولات به واسطه‌ی فهم غلط و نادرست، از لحاظ غذایی فقیر شده‌اند و این نوع پالایش و تصفیه‌ی چنین محصولاتی منجر به بروز انواع بیماری‌هایی شده است که همه ناشی از گرسنگی است.

یکی دیگر از عارضه‌های گرسنگی مخفی از دست دادن قدرت غریزی تشخیص کمبودهای خویش است؛ فرد چنان غریزه‌ی غذایی خود را از دست داده که دیگر قادر نیست تشخیص دهد که بدنش به چه چیزی نیازمند است. آیا امروز تنها احساس اشتها طبیعی به چه چیزی نیازمند است. امروز تنها احساس اشتها می‌کند آن‌هم اشتهای مصنوعی و کاذب؛ زیرا مسلط بر رهبری و هدایت نیازمندی‌های اصلی بدنش نیست و اشتها بیشتر جنبه‌ی روانی دارد و هدفش هم چیزی جز لذت خوردن نیست.

طبقه‌بندی گرسنگی نامرئی

۱- گرسنگی پروتئینی: یکی از شایع‌ترین و رایج‌ترین اشکال نقصان مواد غذایی در بدن، کمبود پروتئین است. آن را مادی اصلی برای حیات و بقای انسان می‌دانند. مطالعاتی که در سراسر جهان انجام شده تأیید می‌کند که کمبودهای پروتئینی، افراد را از لحاظ صفات و مشخصات، مردم را عقب‌مانده و بیمار می‌کند.

حال آن که در گذشته تصور بر این بود که این عقب‌ماندگی و نحیف بودن جسم، ناشی از مسالهٔ توارث و یا ژنتیک است. اما امروز مسلم گشته که قسمت اعظم آن‌ها ثمره‌ی محیط و طرز تغذیهٔ بودند. از جمله کسانی که رایج بوده است، «هک کریس» دانشمند دیگری که ادامه‌دهندهٔ راه «هک کی» بود و هر دو از دانشمندان علوم تغذیه بودند. از نخستین کسانی بودند که اثرات تغذیه را بر روی دو گروه از هندوها مطالعه کردند. اول قبیله‌ای به نام «هیک‌ها» در هندوستان که دارای ساختمان بدنی قوی و مقاومت جسمانی بالا و همچنین قدهای بلند که تغذیهٔ اصلی آن‌ها از لحاظ پروتئین بسیار غنی بود. دوم قبیله‌ای به نام «هدرس» که از منابع گیاهی بیشتر استفاده می‌کردند. «هک کریس» طی ۷ هفته موش‌هایی را با رژیم غذایی سبک‌ها و همچنین یک دسته‌ی دیگر از موش‌ها را با رژیم غذایی «هدرس‌ها» تغذیه نمود؛ در پایان مدت، موش‌های دستهٔ اول از لحاظ جسمی سالم‌تر و نیز وزنی معادل ۳۲۵ گرم داشتند ولی موش‌های دستهٔ دوم کمتر از ۱۵۰ گرم می‌بودند در صورتی که جسم آن‌ها بسیار نحیف و لاغر بود.

با ذکر این مثال به نتیجه‌ی نقصان و یا نارسایی‌های پروتئین اشاره کردیم. لیک در مواردی این کمبودها به طور غیر مستقیم تظاهر می‌کند مثلاً عقب‌ماندگی در رشد و یا استعداد و آمادگی دستگاه‌های بدن برای قبول و پذیرش انواع بیماری‌ها؛ اما آن‌چه را که باید در نظر گرفت، بروز موارد نگران‌کننده‌ی ناشی از کمبودهای شدید پروتئینی است که نشانه و مشخصه‌ی بیماری است؛ زمانی که فرد گرسنه دچار ورم‌های دو گوه ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم می‌شوند. عوامل ذهنی و درونی درگیرکننده مواردی است مانند بی‌اعتمادی به قانون، و دستگاه قضایی.

عوامل عینی و بیرونی درگیرکننده مواردی است مانند ازهم‌گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و افزایش دوستی یا برهنگان است. با بخشی از این عوامل منافع را افزایش می‌دهد و بخش دیگر از هزینه‌های ارتکاب جرم می‌کاهد و می‌توان گفت که تا حدودی از جهت مختلف همین است زندان موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد شود زیرا زندانی ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق شهروندی را تشدید کند و شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را افزایش دهد.

تأثیر زندان بر مردان و زنان

تأثیر طلاق در روابط خانوادگی: مهمترین عامل مؤثر در وقوع طلاق از مردان زندانی سابقه‌دار بودن آنهاست. هرچه مدت سابقه‌دارتر باشد احتمال وقوع طلاق برای او افزایش می‌یابد.

در زنان طلاق نسبت به جرم عموماً حاوت متغیر مستقل دارد، می‌توان گفت که بخش زنان جوان به هنگام وقوع جرم به محض زندانی شدن با احتمال طلاق مواجه می‌شوند.

طرد خانوادگی: نیمی از مردانی که به زندان آمده‌اند اولین باری که آزاد شده‌اند در برخورد با خانواده با تغییری مواجه نشده‌اند ولی بیش از چهل درصد آنان پس از اولین آزادی با طرد از خانواده مواجه شده‌اند.

زندان پس از اولین بار آزادی از طرف اقوام و آشنایان، اکثریت آنها طرد شده‌اند و با بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی آن‌ها روبه‌رو شده‌اند.

درباره مجازات زندان و تعدد ارتکاب جرم:

هرچه وجدان جمعی قوی‌تر، خشم عمومی حادتر

سمیرا مرادپور

مجازات زندان

زندان از گذشته دور وجود داشته و امروزه اصلی‌ترین شکل مجازات است. در نظام کیفری قدیم تنها هدف مجازات ایجاد رعب و وحشت بود به همین دلیل مجازات‌ها متوجه به صورت زجر دادن در منظر عموم بود، و با هدف تقویت هم بستگی اجتماعی از طریق ارضای وجدان جمعی صورت می‌گرفت. بنابر این هر فرد جرمزا چنان جمعی قوی باشد خشم عمومی بر جمع حادتر است. در مراحل بعد، موقعیت زندان جرم و شخصیت مجرم اهمیت پیدا کرد.

از این زاویه هدف مجازات که نه تنها در برهنگار شوق زندگی را برانگیزاند بلکه به او توان زندگی کردن دهد در این سیستم مجازات موجه جسم و بدن نیست بلکه قلب و اندیشه و اراده را هدف قرار می‌دهد و دوم این که در منظر عموم صورت نمی‌گیرد.

برای درک تأثیر زندان در ارتکاب مجدد جرم لازم است که دیدگاه خود را درمان و علل بروز رفتار مجرمانه مشخص کنیم و عوامل و متغیرهای اصلی زندان را بشناسیم. پس تأثیر این عوامل را در آن میان و علل بروز رفتار مجرمانه‌ی مجدد را در فرد زندانی تعیین کنیم.

رفتار مجرمانه رفتاری عقلانی است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می‌توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است واکنشی باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به کنش می‌شود و تحت تأثیر موقعیت اجرا می‌شود و چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت‌های تبهکارانه رانده شوند بلکه فعالانه نسبت زدن به این اعمال را انتخاب، و فکر می‌کنند که ارزش خطر کردن را دارد. بنابراین باید منافع و پیامدهای ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه‌های مذکور ایجاد می‌کند؟ آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد یا کاهش؟

عوامل مستعد کننده‌ی افزایش ارتکاب مجدد جرم

عواملی که منافع حاصل ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند و عواملی که از هزینه‌های ارتکاب آن می‌کاهند و در نتیجه موقعیت فرد را به سوی ارتکاب جرم تغییر می‌دهند این عوامل از جهت دیگر به دو گروه ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم می‌شوند. عوامل ذهنی و درونی درگیرکننده مواردی است مانند بی‌اعتمادی به قانون، و دستگاه قضایی.

عوامل عینی و بیرونی درگیرکننده مواردی است مانند ازهم‌گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و افزایش دوستی یا برهنگان است. با بخشی از این عوامل منافع را افزایش می‌دهد و بخش دیگر از هزینه‌های ارتکاب جرم می‌کاهد و می‌توان گفت که تا حدودی از جهت مختلف ممکن است زندان موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد شود زیرا زندانی ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق شهروندی را تشدید کند و شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را افزایش دهد.

تأثیر زندان بر مردان و زنان

چگونگی تأثیرات فوق بستگی به عوامل متعددی ازجمله محیط زندان، نوع مدیریت، امکانات داخل زندان و متغیرهای فردی دارد. برخی از این متغیرها عموماً تأثیرات مثبت و در جهت هم‌وایی با جامعه در زندان می‌گذارد. مثل امکانات مددکاری، ملاقات، مدیریت زندان و... برخسب موقعیت زندانی و در تأثیر مثبت یا منفی دارند.

روند به زندان موجب بدتر شدن سطح زندگی زیر می‌شود به همین دلیل برای افرادی با سطح زندگی پایین‌تر، منافع ارتکاب جرم معین نسبت به قبل افزایش پیدا می‌کند. زندان به عنوان یکی از شیوه‌های مجازات و مقابله به جرائم از لحاظ تعامل با مجرم نوعی فرایند تجمعی محسوب می‌شود.

منابع: انجمن اجتماعی، مجموعه مقالات انجمن جامعه شناسان ایران و تحلیل دهنی

تغییر در جرایم و کیفیت ارتکاب آن‌ها

اکثر زندانیان بار دوم نیز به همان اتهام بار اول به زندان می‌افتند. در اتهامات بار دوم گرایش زندانیان به جرایم علی و سرقت بیشتر می‌شود. در زنان ارتکاب جرم در دفعات سوم به بیست بار اول افزایش می‌یابد. نسبت تغییر جرم در زنان کمتر از مردان است.

سخن پایانی

ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به شکل مشهود به موفقیت و ارزیابی هزینه و فایده فرد نسبت به آن وابسته است. از آنجا که زندان به عنوان اصلی‌ترین مجازات یکی از اقدام عمده و رسمی هزینه‌ای در ارتکاب جرم است و در کنار آن هزینه‌های دیگر مثل از دست دادن شغل یا موقعیت شغل، طرد اجتماعی و... وجود دارد، می‌توان گفت که تولاین مرتبه زندانی شدن فرد، بخش قابل ملاحظه‌ای از این هزینه پرداخته می‌شود و برای دفعات بعد از هزینه‌های ارتکاب جرم مجدد کاسته می‌شود. علاوه حضور در زندان ممکن است منافع ارتکاب مجدد جرم را برای زندانی افزایش دهد، زیرا با یادگیری شگردهای ارتکاب جرم، بدون مجازات افزون آشنایی با افراد جدید و راه‌های فرار از مجازات امکان‌پذیر است.

چگونگی تأثیرات فوق بستگی به عوامل متعددی ازجمله محیط زندان، نوع مدیریت، امکانات داخل زندان و متغیرهای فردی دارد. برخی از این متغیرها عموماً تأثیرات مثبت و در جهت هم‌وایی با جامعه در زندان می‌گذارد. مثل امکانات مددکاری، ملاقات، مدیریت زندان و... برخسب موقعیت زندانی و در تأثیر مثبت یا منفی دارند.

روند به زندان موجب بدتر شدن سطح زندگی زیر می‌شود به همین دلیل برای افرادی با سطح زندگی پایین‌تر، منافع ارتکاب جرم معین نسبت به قبل افزایش پیدا می‌کند. زندان به عنوان یکی از شیوه‌های مجازات و مقابله به جرائم از لحاظ تعامل با مجرم نوعی فرایند تجمعی محسوب می‌شود.

منابع: انجمن اجتماعی، مجموعه مقالات انجمن جامعه شناسان ایران و تحلیل دهنی

هفت اصل ارتباطی برای مدیران ارشد سازمانی

نوسک جعفری
دانشجوی کارشناسی ارشد
علوم ارتباطات دانشگاه تهران، گرایش مدیریت رسانه

بسیاری از مدیران گمان می‌کنند که کارکنانشان به علت عدم رضایت از میزان حقوق و مزایا کار را ترک می‌کنند. نتایج تحقیقی در سال ۲۰۰۹ در بین ۲۰۰۰۰ کارمند که استعدا دخاله نشان می‌دهد که مهمترین دلیل برای استعفا و ترک شغل، رفتار نامناسب مدیر و یا به عبارت دیگر مدیران نقش مهمی دارند. یکی از مبتکر سر می‌آورند و دنیای ما از تلاش‌های فکری آن‌ها شکل می‌گیرد. پیشرفت‌های بشری منوط به پرسش‌های فلسفی نمی‌شود، سؤالات آن‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند، صبر تحقیق پایان نمی‌گیرد و پرسش‌ها در پی جستجوی پیش می‌رود (جیمز فیلیمن).

یادداشت

دربارهٔ مد در جامعه و بررسی عوامل و زمینه‌های مد گرایی؛

امروزی شدن و کارکردهای منفی آن در جامعه

بخش دوم

شیوا گنجی

بایدها و نبایدهای اسلام در خصوص پوشاک

بررسی‌های تاریخی و سیر در سنت‌ها و فرهنگ‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها از نخستین روزهای آفرینش، در پی پوشانیدن بدن خویش در برابر سرما، گرما و نیز محافظت از نگاه‌های دیگران بوده‌اند و به تدریج، این روند راه رشد و ترقی پیموده است. در سنت اسلامی، اصل بر پوشش مردان و زنان، به گونه‌ای است که ضمن پوشیگی، ارزش‌ها و موازین شرعی و دینی رعایت شده و در پهنهٔ مناسبات اجتماعی و جلوگیری از تحریک و مفاسد، مؤثر باشد.دین اسلام نه تنها مخالف زیبایی و آراستن نیست، بلکه در بعضی از روایت‌ها به نقل از رسول اکرم(ص) آمده است: «ان‌الله جمیل و یحب الجمال، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.» حضرت علی علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: «آراستگی، از اخلاق مؤمنان است.» حضرت امام صادق(ع) نیز نوید داده‌اند: «خداوند، آراستن را دوست و از نیرداختن به خود و ژولیدگی نفرت دارد.» رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: «مسلمان، لباس سپیدی را بر تن کند که پاکیزه و تمیز است.»

اما در اسلام، اخطارها و هشدارهایی هم در این عرصه‌ها آمده؛ زیرا اسلام می‌خواهد که انسان‌ها به سوی ارزش‌های والا روی آورند و از هوس‌ها و امیال آمیخته به مفاسد بپرهیزند. در فرهنگ اسلامی، مردان و زنان حق ندارند به گونه‌ای خود را بیارایند که شبیه هم شوند؛ دامنه این همانندسازی ممنوع شامل لباس، آرایش، زینت، راه رفتن، نوع حرکت و غیره را در برمی‌گیرد. بر طبق آیهٔ ۳۱ سوره نور، بانوان اجازه ندارند زینت خود را جز به مقداری که عرف اجازه می‌دهد، آشکار سازند. بلکه شرافت زن

اقتضا می‌کند که هنگام بیرون رفتن از خانه، متین و با وقار باشد و در رفتار، از هرکاری که سبب جلب توجه و تحریک دیگران شود، بپرهیزد. در منابع اسلامی، انسان از این که لباس را وسیله‌ای برای شهرت و آنگاه قرار دهد، منع شده است. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «لباس نازک بدن‌ها نپوشید، زیرا نشانه سستی در دین است.» و «پرهیزید از این که خود را برای مردم بیارایی و با انجام آنان، به جنگ با خدا برخیزی.»

مُدگرایی، ارمغان قرن بیست‌ویکم

مسأله‌ای لباس تنگ، کوتاه و جلف، سوغات تمدنی است که جهان‌بینی ویژه‌ای دارد و انسان را به گونه‌ای مغایر با فرهنگ اسلامی تعریف می‌کند. مدگرایی، دستاورد تلاش‌های دروغین تبلیغی اروپایی است که معلومات را از متن زندگی فردی و اجتماعی به حاشیه رانده و خدا را به گوشه عزلت کلیسا سوق داده است. در این فرهنگ، معنویت و قداست، بی‌اصالت است و انسی‌نوانند روح الهی داشته باشند. در این فرهنگ، از پس مرگ هیچ فردایی نیست و هیچ بهشتی انسان را فرانمی‌خواند و همین می‌خواهند به اینی چنین القا کنند که همه موجودات، همان تن و لباس، وسیله‌ای برای خوارایی دروغین است. پوشش تنگ، تیون اعلی نازک وی بدن کشیده می‌شود تا ناهموارتی‌های آن را پنهان نکند و آن چه مد لباس را تغییر می‌دهد، روان‌شناسی خاصی است که پوچی، ابتذال و برهنگی را ترویج می‌کند تا بتواند بیشترین جلوه و جاذبه را در جنس زن و نهایت اشتیاق همراه با هوس و اشتهای جنسی را در مرد پدید آورد. در این نظام که بر بینش مادی و دنیوی غربی مبتنی است، شیوای از افتضاد و سرمایه‌داری ترویج می‌شود که مصرف‌گرایی را هر چه بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و بر کثرت و افزونی‌طلبی تکیه دارد. هم‌وه و امکانات کمک می‌گیرد تا بازار تولید و مصرف را پررهیختن کرده و تمایلات مردان و زنان که گاهی طبیعی هم جلوه می‌کند، در استخدام این تشکیلات قزوینی‌طلبی قرار می‌گیرد و آراده امی را در مسیر مصرف‌گرای افراطی قرار دهد.

به نکات ذیل توجه فرمایند:

طبق توصیه کارشناسان عمل کنید!

تعداد بسیار زیادی از اقبال طرز پوشش کاملاً تحمیلی دارند، به این معنا که لباس‌هایی را در تن می‌کنند که در ابتدا مادرانشان برای آن‌ها انتخاب می‌کردند سپس نامزدها و در آخر هم همسرانشان را دنبال می‌کنند. بنابراین به ظاهر مقتدری هم وجود دارند که ترجیح می‌دهند هیچ سبک خاصی در پوشش خود نداشته باشند تنها به این جمله بسنده کنند که نمی‌خواهند از یک شیوه تحمیلی در لباس پوشیدن پیروی کنند. اگر تاکنون امکان استفاده از یک سبک دلخواه در طرز لباس پوشیدن خود را نداشته‌اید بهتر است از امروز تمایل کارشناسان را در زندگی خود به کار گیرید. به جای اینکه سرمقاله‌های ورزشی را بخوانید یا به دنبال عکس کودک هنرپیشه در مجله خانواده باشید بهتر است به سراغ یکی از مجلههایی که مربوط به آقایان است بروید و اگر به اینترنت دسترسی دارید به بخش مد و مسائل زنانه سایت مردمان مراجعه کنید. با خواندن چند مقاله متوجه نکاتی می‌شوید که همیشه باید رعایت شوند. مثلاً هیچگاه نباید شیوه روشن را با کفش‌های تنه نپوشید، سعی کنید همیشه کفش خود را با کمربندتان جور کنید و از پوشیدن لباس‌های خیلی تنگ به شدت پرهیز کنید. هنگامی که در حال وزن زدن مجله‌ها هستید به نیلهای‌ای که همیشه به شما کمک می‌کنند توجه کنید. بهترین ایده در پیدا کردن الگوهای مناسب پوشش در همین تبلیغات نهفته است.

چگونه الگوها را انتخاب کنیم؟

مد تنها سبک پوشش شما نیست بلکه شما باید به روز باشید و اطلاع کاملی از اینکه در حال حاضر چه نوع پوشاکی دارای امتیاز بیشتری است داشته باشید. باید بدانید چه نوع لباسی سبک است و کدامیک قدیمی، چه نوع لباسی جاذبه شما را بیشتر کرده و باعث می‌شود در نظر خانواده تیپ مردانه‌تری داشته باشید. تمام کلیشه‌ها را فراموش کنید و فقط سعی کنید که در نظر دیگران زیبا به نظر برسید. حال اقبایل به ویژه آن‌هایی که بیشتر وقت خود را صرف کسب و کار می‌کنند چگونه می‌توانند خود را با الگوهایی که با سرعت نور در حال تغییر و تحول هستند وفق دهند؟ پاسخ این سوال نیز چندان دور از دسترس نیست. برای شروع بهتری از نظر شیوهٔ پوشش هنرمندان مختلف از جمله خوانندگان و هنرپیشه‌های معروف سینما و تلویزیون را در رأس کار خود قرار دهید. بر روی لباس پوشیدن آن‌ها دقیق شوید و ببینید در همایش‌های رسمی از جمله جشنواره‌های فیلم و موسیقی چه لباس‌هایی به تن می‌کنند. تمام مجلات مربوط به مد را ورق بزنید، فیلم‌های روز بازار را نگاه کنید، همیشه ویترین مغازه‌ها را زیر نظر داشته باشید، آن‌گاه می‌توانید در طرز پوشش با هنرپیشه‌های بزرگ رقابت کنید.

ادامه دارد...

پیشرفت ژاپن ۶- در سخنرانی خود در جمع کارکنان تا حد ممکن تأثیرگذار باشید. تنها در صحبت‌های گروهی به خصوص در مواقع حساس برای مؤسسه است که مدیران، اعتبار و لیاقت خود را در دید کارکنان ایجاد می‌نمایند. ۷- خود را در پس ارتباطات کنتی پنهان نسمایید؛ آنچه ابزاری بسیار مهم در ارتباطات است، با این وجود مواردی که دارای حساسیت خاص می‌باشند بهتر است به صورت حضوری و حداقل تلفنی انجام پذیرد.

چگونه خود را ارزیابی کنیم؟

یه به نظرتان باید از کارکنان‌تان بازخورد عملکرد خود را خواهان شوید؟ دقیقاً این باعث ایجاد صمیمیت می‌شود و باعث ساختن چهره‌ی بهتری از شما به عنوان مدیر می‌شود.

چگونه می‌توان نتیجه‌ی بازخوردی را خواستار شد؟ گرفتن بازخورد از فرد غیرکاری، بسیار راهگشا خواهد بود؛ زیرا در این زمان کارکنان بیشتر و بهتر می‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند و بهتر است موضوع را به صورت غیررسمی و مشتاقانه مطرح نمایید. مثلاً بگویید: اینا در مورد کار یا روش من ایده‌ای در ذهن دارن؟ و یا فارغ خیال به وی گوش فرا دهید چون در اوقات فراغت، شنیدن نیز راحت‌تر است.

دبیر سرویس: رونالد کشمانیان

هشدارهای پلیسی

توصیه‌های پیشگیرانه برای مسافرین و عابرین

سرهنگ عبداله فاتحی،
رییس اداره مبارزه با سرقت آگاهی استان کردستان

● تا حد امکان از حمل پول نقد پرهیز نموده و از چک‌های رمزدار و تضمینی استفاده کنید.

● برای پیشگیری از آسیب‌پذیری خود و عزیزانتان در ترددهای شهری، تا حد ممکن از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنید.

● در صورتی که مجبور به استفاده از خودروهای شخصی هستید، وضعیت داخل اتومبیل از قبیل دربها، شیشه بالایی و... را بررسی، در صورت مشاهده موارد مشکوک با حرکات و صحبت‌های نابجا به صورت معقول از خودرو پیاده شده و از مردم کمک بگیرید و به خاطر سپردن شماره پلاک، رنگ و سایر مشخصات آن نیروی انتظامی را مطلع نمایید.

● در صورت مشاهده تغییر مسیر بی‌تفاوت نبوده و سریعاً به راننده تذکر دهید.

● برای تردد به مناطق حاشیه‌ای و خلوت از وسایل نقلیه شخصی دیگران استفاده نکنید.

● از پذیرفتن خوراکی یا پوشیدنی از راننده یا سایر مسافرین خودداری نمایید.

● از حمل پول بدون پوشش و حفاظت مناسب مخصوصاً هنگام خروج از بانک خودداری نموده، تا حد امکان از چک‌های رمزدار و تضمینی استفاده کنید.

● از شمارش پول در انظار عمومی که موجب تحریک سارقین می‌شود خودداری نمایید.

● هنگام خروج از بانک مراقب اطراف خود مخصوصاً موتورسواران باشید.

● برای حمل پول تا حد امکان از آشنایان و بستگان خود بخواهید تا همراهیتان کنند.

● اگر قصد معامله‌ای دارید که به حمل پول نقد نیازمند است، نزد فرد ناشناس و غیرمطمئن از آن حمایت نکنید.

۵ نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح در تصادفات رانندگی کردستان

در ۷ فقره تصادف رانندگی در راه‌های مواصلاتی استان کردستان، ۵ نفر کشته و ۱۵ نفر دیگر مجروح و روانه‌ی بیمارستان شدند.

به گزارش سرویس حوادث دیدگاه برابر گزارش پاسگاه انتظامی نساره، در محور دیواندره به سنندج ۳ دستگاه خودرو کامیون اسکانیا، پژو ۴۰۵ و پراید با هم برخورد کردند که در این حادثه ۲ نفر کشته و ۴ نفر دیگر زخمی و روانه‌ی بیمارستان شدند. گفتنی است کارشناسان در حال بررسی علت وقوع این ت

حەوتەنامەی فەرهەنگی، هونەری، کۆمەڵایەتی، ناوبوری دیدگاه
ژمارەی ٦٩- یەکشەمە ٦ی رەزبەری ١٣٩١

لەژێر سایاتی شێعردا

■ **نامەدەرکردنی: جەمیلە زەندیوور**

وەفایی

ژیاننامە

وەفایی ناوی میرزا عەبدولڕەحیمی کوڕی مەلا غەفوورە، لە ساڵی (١٨٤٤)ی زایینی لە سابلاغ لە دایک بووە و هەر لەوێ خوێندنی تەواو کردووە، لە ساڵی (١٣١٨)ی کۆچی چووە بۆ سلێمانی و لەگەڵ حاجی تەوفیق بەگ (پیرمێرد) و شێخ مستەفا کوری شێخ عەبدولسەمەدی قازی و سعید ئەحمەدی خانەقا!! بۆ جاری سێهەم چووە بۆ حەج، لە گواڕەوەدا لە ساڵی (١٣٢٠)ی کۆچی، لە جۆلایی شامدا کۆچی دوایی کردووە و هەر لەوێ بیرمێرد بە دەستی خۆی ئاشتنووسە. وەفایی بەکێک بووە لە زانا گەورەکانی کوردستان کە لە پایەی شێعر و ئەدەبدا بەرهەمی جاوکیا بووە، وەفایی هەر لە سەردەمی خۆیدا ناربانگێکی باشی پەیدا کردووە و شێعرەکانی دەستاودەست و دەماودەم بڵاو بوونەتەوە، هەروەها خوێندەواریی ئەو سەردەمە پەسەندیان کردوون و شایەتی چاکیان بۆ داون.

لە شێعرەکانی وەفاییدا چەن مەبەستی شێعری ڕەچاو دەکرێ:

١ - شێعری دڵداری ٢ - شین و لاوانەنەوە ٣ - وەسفی گوڵ و گوڵزار و باسی دیمەنی جوان و گوڵزاری ٤ - هەندێک دیمەنی قوشمەبازی و گاڵتە ٥ - مەتەل ٦ - پیاهەڵدان ٧ - داواکردنی شت

لە خوارەوە یەکێ لە شێعرەکانی دەخوێنین

نیگارا، دولبەرا

نیـگارا، دولبـەرا، نامیهردبـان یـاری جەفـاکارم!
بـە زاری کوشـتمت! تـا کـەی دەفەرمـووی مـن وەفـادارم!
دەڵێـی مورغـی شـەباهەنگ لـە دەوری سـوچی دیـدارت
لـە حەڵقـەی زوڵفـی تـۆ دێ دەیجـەنم ئالـەی دڵـی زارم
بـە دەردی مونـاڵا بـووم جاهیـل و دانـا کـە حەیرانـت
مەگـەر چـاوی نەخۆشـی تـۆم نـە مەخـوورم نـە هۆشیارم
کەمـێ دوورجاری ئەمروێـت کەمـێ باپەنـدی گیسـووتم
لـە لێوتـک ڕوو بـە مەبراڵیـم لـە لێوتـک ڕوو بـە زوونـارم
نیشـانەی قاتیلـی ئامیهردبانم زاهیـرە یەعنـی
فەرەنگـی خـەت و زەنگـی زوڵـف و هینـوو خـاڵ و ئەلـزارم
بەتـای زوڵـف و چینـی تـووڕە دین و دڵ دەبـا چـاوی
دەڵێـی مـن خانـەزادی ئامانـی چـین و ئاتـارم
وەسـیەت بـێ کـە مردم نەخـت و تابووتـم لـە عەبهەرکـەن
هەتـا عالـەم بڕێتـی مـن شـەهیدی قامەتـی یـارم
وەفایـی دوور لـە تـۆ بەپووسـت حاڵـی شـەبێ، گیرانـە
لـە بـەر چـاوت بـە سـەد جێـی وەک نیشـانەی دڵ بریندارم

ڕشتەیەک لە مەواری

عەقڵ چیە؟

نووسینی: عەبدلڕەحیمی سەچادی

■ **نامەدەرکردنی: جەمیلە زەندیوور**

مەلایێک لە سەر کانێک دانیشتبوو، کابرایێک لە قرچەی نیوەڕۆدا لەڕێیە هات، لەگەڵ گەیشتنە سەر کانی، لەب لێی ڕاکێشا و دەمی خستە کانییەکەوە تێرێڕ تاری خواردەوە، مەلا وتی: ڕۆڵە جارێکی کە بەم تەرحە دەم هەڵبەرە ناوبوو، ماڵی تۆ: قوربان بۆچی خراپە؟ مەلا وتی: بۆ عەقڵ زیانی هەیە، وتی: مامۆستا عەقڵ چیە؟ مامۆستا وتی: ڕۆڵە لەگەڵ تۆم نییە، دەمە جوراجار لەبەر خۆمەوە ڕوپنە نەکەم؛ نەگینە بە تۆم نەوت!

مەلایێک لە سەر کانێک دانیشتبوو، کابرایێک لە قرچەی نیوەڕۆدا لەڕێیە هات، لەگەڵ گەیشتنە سەر کانی، لەب لێی ڕاکێشا و دەمی خستە کانییەکەوە تێرێڕ تاری خواردەوە، مەلا وتی: ڕۆڵە جارێکی کە بەم تەرحە دەم هەڵبەرە ناوبوو، ماڵی تۆ: قوربان بۆچی خراپە؟ مەلا وتی: بۆ عەقڵ زیانی هەیە، وتی: مامۆستا عەقڵ چیە؟ مامۆستا وتی: ڕۆڵە لەگەڵ تۆم نییە، دەمە جوراجار لەبەر خۆمەوە ڕوپنە نەکەم؛ نەگینە بە تۆم نەوت!

زانیاری تەکنۆلۆژی

■ **نارش ئەمانی**

ئەسپی تڕۆجان

ئەسپی تڕۆجان یان تڕۆجان جۆرێکی تڕە لە زیان ئامێزە کە خۆی دەکوو پەرگیمێکی یاسایی یا بەرنامەیێکی بەسوود نیشان دەدات لە ئاکامدا دەستی خۆتێچێندەرکان ئاوڵا دەکات. تڕۆجانەکە خۆیان ناوەشێنە پەرگەکانی‌تروو، ئەمەیەکانی تڕۆجان دەتوانن خۆ گشتمبدەن، زانیاریەکانیان بدزن یان زەرەر و زیان پگەیێنن بە سیستەمی کامپیوتێری خاەخۆی. زۆربەی تڕۆجانەکان لە ڕێگەی داگرتن یان لە ڕێگەی کایەگەلی سەرهێل یان بەرنامەکانی نینتێرنێتی بەسەر کامپیوتێری مەبەستدا دەستداەدگرن. ئەم زاراوەیە لە ئەمیی تڕۆجانی تڕۆ دامتان و ئەفسانەی یۆنانیدا وشاوەتەوە، لەبەر ئەوەی ئەمەیەکانی تڕۆجان ئەندازیاری کۆمەڵایەتی بەکار دەبەن. خۆیان بە ناوی دیاریێکی بێزەرەر و بەسوود نیشان دەدەن تا قوربانیەکانیان هان بدەن لەسەر کامپیوتەرکانیان دایانەرێژن.

ئەمەکرەکان بە یارمەتی ئەمەیی تڕۆجان دەتوانن لە ڕێگەی دوورەوە دەست بە سەر سیستەمی کامپیوتێریدا ڕابگرن.

کرمی کامپیوتێری

کرمی کامپیوتێری بەرنامەیێکی زیانبەخشی سەربەخۆی خۆگەشەدەرە کە بە کەلکوەرگرتن لە ڕایەڵە کامپیوتێریەکان کامپیوتێریەکانیتر بڵاو دەبێتەوە، بە پێچەوانەی قیروسی کامپیوتێری ئەمان خۆیان بە بەرنامەیێکی کامپیوتێریدا نابەستەوە، کرمەکان هەمیشە بە کەلکوەرگرتن پاتنیایی باند دەبنە هۆی زەوەر گیەاندن بە ڕایەڵەکە. لە هاڵیکدا زۆربەی کات قیروسەکان دەبنە هۆی خراپ کردنی پەرگە کامپیوتێریەکانی پێوەیوی.

سیخوڕەماێر

سیخوڕەماێر جۆرێکی تڕە لە زیانبەخشە کە لەسەر کامپیوتێرکان دادەمەزرێن و زانیاری بە کەڕاخەبەرانی بێ ئەوەی خۆیان بزانن کۆ دەکەنەوە. هەندێ لە سیخوڕەماێرەکان وەکوو تۆماەرگەری کلیل بە کەپاڕچە بن.

سەرچاوە:
en.wikipedia.com
amani.ara@karingroup.ir

ڕەنگە بەدەت خاوەنی کامپیوتێرێکی هاوبەش یان گشتی بە تەنقەست دامەزراینێت تاکو بە کارهێنەران چاودێری بکات. سیخوڕەماێر دەتوانێت تا ڕادەیەک هەموشتێک وەکوو زانیاری تاکەکەسی، چوونەوە ژوورەکانی بەکارهێنەران، زانیاری حسێبی بانکی کۆ بکەنەوە و بۆ کەسی سێهەمی بنێرێت. هەندێک لە سیخوڕەماێرەکان دەتوانن ڕێکخستنەکانی کامپیوتێر بگۆڕن کە ئاکامەکەی دەبێتە کەم بوونەوەی خێرایی نینتێرنێت و گۆڕینی ناخواستەی ڕێکخستنەکانی گەورۆک یان گۆڕینی ڕێکخستنی نەرمبۆماێرکانی‌تر.

بانگەشەشامێر

بانگەشەشامێر بەرنامەیێکی کامپیوتێریە کە بە شێوەی خۆمەش بانگەشەکان دەدەست دەهێنێت. ئەم بانگەشانە دەتوانن بە شێوەی فۆرمی سەرهەڵدەر خۆیان نیشان بدەن، هەروەها ڕێدەچێ کە نێو ڕەالتیی بەکاربردنی ئەم بەرنامەیێکی یان لە کاتی پڕۆسەی دابەزاندنی بەرنامەیێکدا بە بەکارهێنەر پێشان بدرێت. بانگەشەشامێر لە خودی خۆدا مەترسی نییە بەڵام ڕێدێچی هەندێکیان لە گەڵ سیخوڕەماێردا وەکوو تۆماەرگەری کلیل بە کەپاڕچە بن.

سەرچاوە:
en.wikipedia.com
amani.ara@karingroup.ir

تیم بیرنێزێر لی:

باوکی وێب و لایەنگری ئازادی تەکنۆلۆژیای زانیاری

دات‌کامەکان، باڵگێزەکی و گۆگڵ هەموویان بۆ ئەم جێگایە ڕا نیشتا لە چەرخی (٢١)ەما هەبانە سپاسگوزاری پیاریک بن. لە ساڵی (١٩٩٠)دا تیم بێرنێزر لی ئەندێشەی پێکەوەئاتی نینتێرنێت بە سەروی‌دەفەوە چی کرد و وێب هاتە دنیاوە.

بێرنێز لی لە ساڵی (١٩٥٥)دا لە لەندەن لە دایک بووە، دایک و بابی هەردووکیان بیرکار بوون و پێکەوە لە تیمی دروست کردنی، Manchester Mark I کە یەکێک لە ئەوەلین کامپیوتەرکان بوون، کاریان کردە.

دوای تەواو کردنی قوتابخانە ئەو لە لقی فیزیکی زانکۆی (Queen)ی کاتەکەدە دریژەی بە خوێندن دا. بێرنێز لی لە وێنا بە لەحیم، دووزاگەلی TTL، پرۆسێزێرکی M٦٠٠٠ و یەکەنانە لەقەیزوێنی کۆن کامپیوتێرکی دروست کرد. لە ساڵی (١٩٧٦)یە، بە ناوی بەرنامەنووسەوە لە (Pless Telecommunication)دا دەمەزرا و لە (١٩٨٠)دا بە ناوی پێبلێنای سەربەخۆ لە ناوەندی لێکۆڵینەوەی ناوەکی (Cern) ی ئەروروپیادا دەستی بەکار کرد.

لە دەساوەی (١٩٨٠)دا پرۆژەیێکی لەسەر چەمکی سەروویەدق پێشنیار کرد تاکوو زانیاریە بەروژ کراوەکان بە هاسانی لە نێو تڕۆژانەدا هاربەش بکرێت. ئەمەش لە حاڵێکدایە کە نموونەیێکی سەرەتایی بە ناوی (Enquire)ی دروست کردبوو.

لە ساڵی (١٩٨٠)دا (Cern)گەورترین گڕێی نینتێرنێتیی ئەروروپا بوو. «بێرنێزر ئەمەدی بە هەڵێک زانی و گوتی: من دەبێ ئەندێشەی سەرویەدق لە گەڵ ئەندێشەی DNS و TCP پێکەوە گڕێ بدەم.» و ناوەها بوو وێب هاتە دنیاوە.

ئەم پەکەمین گەورۆکی وێب و هەڵگر و پەکەمین ڕاژەی وێبی بە ناوی Hypertext Transfer Protocol Daemon (HTTPD) پێکهێنا.

http://info.cern.ch/: پەکەمین ماڵپەڕی دروست کراوە، ئەم ئاندێشانە هێشتا بەکار دەبردرێت.

لە ساڵی (١٩٨٩)دا بێرنێزر لی کۆنسێرسیۆمی W٣C لە ئەندێستێوتی تەکنۆلۆژیای ماسوچوسێتا دامەزراند.

بێرنێزر لی ئێستا سەربەستە W٣C، گەوری تڕۆژرانی (Csail)ی (MIT) و هەروەها ڕۆفیسۆری زانستی کامپیوتێری زانستگای ساربەمێتۆنە.

هەمەڕەنگ

تەمەڵترین گەلانی جیهان

گۆڤاری (ئانسێنای بەریتانی (٢٠) گەلی دەستنیشان کردووە وەکوو تەمەڵترین گەلانی جیهان کە تەمەڵیەکانی دەبێتە هۆی زوو ڕۆشتن. زۆربەی تاکەکانی ئەم گەلانە چالاکی جەستەییان کەمە! وەکو پەین ڕۆشتن، زۆر کەم دەبێتە دەکەن یان بە تووندی نەخۆشیە دێژەیابەتەکان دەبن. ئەمانەی لێکۆڵینەوەکەیان کردووە دەڵێن مرۆڤ بەتایبەتی ژنان. لە گەڵ هەڵکشانی ئەمەندا جوولەیان کەمتر دەبێتەوە ئەمەش دەبێتە هۆی نەخۆشییەکانی دڵ و گورچیلەو نەخۆشیە دێژەیابەتەکانی وەکوو شەکرەو پەستانی خوێن.

گەلە تەمەڵەکانیش سەر بە ئەم لیستەن:

١ - مالتا: دوورگەیەکە کەوتۆتە باشووری ئیتاڵیا و بەپەلی یەکەم دێت.

٢ - سوازیلاند: شانشینێکە کەوتۆتە باشووری ئەفریقاوە بەپەلی دووەم دێت.

٣ - ئیرلەندا: بەپەلی حەفدەمەم دێت.

٤ - باشووری ئەفریقا: بەپەلی نۆزدەمەم دێت.

٥ - بۆتان: بەپەلی بیستەم دێت، دەکەوێتە باشووری خۆرهەڵاتی ئاسیاوە.

● سریا: لەپەلی چاردەمەیە.

● ئەرەژەنتین: لەپەلی پێنجەمەیە.

● دووریکەی میکرۆنیزیا: لەپەلی پێنجەمەیە، بەڵکە لەو دوورگە بچووکەانەی ئەزریای ئارامدان، ئەم دوورگەیە دەکەوێتە خۆرهەڵاتی ئوسترالیاوە.

● کوێت: بەپەلی حەوتەم دێت، بەزۆرترین ڕێژەی ئەمەی لەناو وڵاتانی کەناداوا ئەم وڵاتەدایە.

● بریتانیا: گەلی بریتانیان بەپەلی هەشتەم دێت، نێستا پارەیەکانی ئۆلمپیادیان کردووە بەوسیلەیەش یا هاندانی خەڵک بۆ وەرزشکردن و یاهەدان بەتەندروستییان.

● ئیمارات: لەپەلی نۆیەمەیە، لەبەرئەوەی وەکوو ژۆریەی خەڵکی وڵاتانی کەنداو حەزیان لەکاری ئاو نۆفیسە.

● ماڵیزیا: بەپەلی دەیەم دێت.

● یابان: بوونی گەلی یابانی لەپەلەی یازدەمەدا خوێندنی تورپئی شۆک کرد، چونکە گەلی یابانی چالاکن و نیشکەرن، بەڵام بەهۆی ئیشەکردنی تەنکەزۆیاوە ئەم گەلەش کەمتر کاری جەستەیی دەکات.

● کۆماری ئۆمینیکان: وڵاتێکە دەکەوێتە باشووری مەکسیك و ئاوەداانیە ئەمریکای لاتینەوە بەپەلەی دوازدەمەو دێت.

● ناميبيا: ئەم وڵاتە ئەفریقاییەی بەپەلەی سیازدەمەو دێت کەوتۆتە باشووری کیشوری ئەفریقاوە.

● عیراق: بەپەلەی چواردەهەم دێت، ئاوە دوای سعودیە و کوێت و ئیمارایتە، مەمەستیشی عیراقە بەگشتی.

● توریکیا: بەپەلەی یازدەهەم دێت.

● فیوریوس: دوورگەی قیوریوس دەکەوێتە دەریای ئاوەڕاستەوە بەپەلەی شازدەهەم دێت.

● ئیتالیا: بەپەلەی حەفدەهەم دێت.

● ئیرەلندا: بەپەلەی هەژدەهەم.

● باشووری ئەفریقا: بەپەلەی نۆزدەهەم دێت.

● بۆتان: بەپەلەی بیستەم دێت، دەکەوێتە باشووری خۆرهەڵاتی ئاسیاوە.

چۆن کاتێکی خۆش لە گەڵ منداڵدا بەسەر بەرین

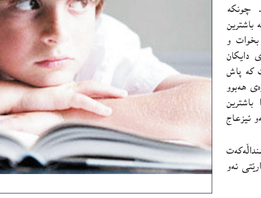

پیسوارنی پەروەردەکردنی منداڵ ڕایدەگێنن باشترین شت بێ گەشەی منداڵ، باش بەرێکردنی کاتەکانە لەگەڵ منداڵەکەدا بەتایبەت منداڵی کۆزیە، بۆیە پیسوارن چەند ڕێنماییەک بە بەسەربردن لەگەڵ منداڵ بە گونجاو دەدەنە قەڵەم کە وا دەکات منداڵ گەشەی زیاتر بکات:

● هەڵبژاردنی کاتی گونجاو بۆ یاریکردن لەگەڵ منداڵەکەت: لەماڵگی بەکەمی منداڵدا باشترین کات بۆ یاریکردن لەگەڵ منداڵەکەت، کاتی حەمام و کاتی دایبی گۆزینەیە، چونکە پیسوارن ئامادە بۆ نەوە دەکەن کە ئەو دەو کاتە، منداڵ لە باشترین باری بەنماگایدایە، بەدەر لەو یارە منداڵ حەز دەکات بخوات و بەدوای ئیزیوبیتش حەزی بە نوستنە، پیسوارن ئامادەی دایکان و باوکان دەکەن بەوەی ئاگایان لەو هەڵسوکەوتانەش بێت کە پاش یاریکردن منداڵ لەنجەامی دەدات؛ بەوەی بە ئەگەر کارەدانەوەی هەبوو نەوە پێیی خۆش دەبێت، ئەگەر بەپێچەوانەوە بوو دوایا باشترین شتێك کە نەنجامی بدەی ڕێگرتنە لە هەستی منداڵەکەو نیزعاك نەکردنیەتی.

● بەشداریکردن لەیاریەکانی منداڵ: بەشێوەیەك یا منداڵەکەت لەکاتی یاریکردنا هەست بکات ئەو بەتەواوێتی دەسڵاتداریتی ئەو یاریانەی هەیە تۆ تەنها هاوکاری ئەوەی کە یاریکردن.

چاپکارەوەی ئوێ

ئەوینی لاوی

نووسەر: دیوید و. مەیر
وەرگێڕ: شەریفە سەلیمی

کتێبی (یووکەکەم)
کتێبی یووکەکەم؛ نووێترین بەرهەمی خاتوونەلیلەلەوریییە.
ئەم شاعیرە هەستیناسك ساڵێنکە لە بواری شێعر و مێسیدای منداڵدا چالاکی هەیە کتێبی یووکەکەم سێ نیشی لەگەڵ کە کاك گۆرانی حوسێن بەناهی مەسیدەی‌ئەوتاوە.
ئەم بەرهەمە ئێستا لە کتێبفرۆشی (نەڕێستا) بە دەس دەکەوێ.

خەیاڵنامە

■ **نامەدەرکردنی: مەژهەر ئیبراهیمی**

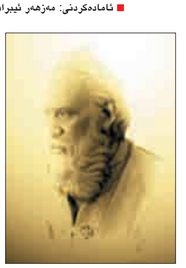

ڕباعی / چوارینە / چارین

خەیام:
تا جند حدیث پنج و چار ای ساقی
مشکل چه یکی حه صدهزار ای ساقی
خاکیم همه، جهل بساز ای ساقی
بادیم همه، باده بیار ای ساقی

مامۆستا هەژار:
تا کەمنگ خەریکی پێنج و چواران مەبگێر
دڵخۆشی بدە بە کۆڕی یاران مەبگێر
ژین گورتە ئەوەی ئایەمنن خەم دایگرین
بۆم تێکە بە یادی جاوخومارەکان مەبگێر

کامران عەبدرخان:
هەیا کەمنگێ گوتنا جار و پێنج هۆ مەبگەر
چ پەك چ هەزار سەح کرن دشوارە هۆ مەبگەر
نەم هەمی ز ناخن، نە کەمانحە وەرینە هۆ مەبگەر
نەم هەمی با نە، شەرابێ بینە هۆ مەبگەر

گۆرتە نامە

نەی بەهاری وەرزی چڕۆم، تۆ بەوەفاتری لە خۆم
من هەر خۆم نییم، نیوەش لە تۆم!

***

بە دڵ هەنگاو بنە جوانتر لە جوانیت بمناسە،
نەوسا لە کتێبی ژیانت بمکە پێناسە.

***

ساتێ نییە لەگەڵ یادت نەژیم و تۆ نەلاوێنم،
نەبم بە خاکی بەرێیی تۆ، گوڵی تاسەت نەژاکێنم.
ساتێ نییە وەک باڵداریک باڵ لێ نەدەم لە دەور ماڵت،
نەبم بە قوربانی چاوت، نەژانم چۆنە نەحواڵت.

***

دڵم لانە، گەرچی نێستا لە من ونی!
گرنگ نییە، لە هەر کوێ بێ تۆ کێڵێنەی چاوی منی!

***

سەبارەت بە هەموو شتێ بە ڕادەی بایەخەکەی بیر کەردوە.

***

لام دابوو پیر بووم عەشق دەسم لێ هەڵدەگرێ
نەمزانی داری وشک زووتر ئاگر دەگرێ

***

تاڤ نەو تاجەبە کە سەرتی پێ بەرز کەی نەک باڵات.

***

هەندێ جار پرسیێی پرسیارێک لە وڵامدانەوە گرانترە.

***

کۆتایی هەموو شتێ خەماوییە، تەنانەت کۆتایی خەمەکانیش.

***

کەی نیشانەی ژینی بێخەم، زیوەری کاشانیە؟

***

تکایە بە ژمارە تەلەفونی ١٠٠٠٢٢٢٤٤٢٢ کورتەکامەکانتان بنێرن تاکوو بە ناوی خۆتانەوە لە چاپ بدرێت.

پێناسەی بزر بووی ئیلامیەکان و پێکەی ژن لە وەیدا!

پێکەی ئینسانیی ژن لە ڕوانگەی حقوقی ئیلامدا

ڕەشی عەبدەڵە

■ **نامەدەرکردنی: گرووپی کوردی**

لە ڕوانگەی حقوقی ئیلامدا ژن پێگەی ئینسانی تایبەت و شیاوی خۆی هەبووە و هەرگیز لە پلەی خوارێز یان خوارزاریدا وەکوو «ئزیدەت»ە ناوی لێ نەنراوە.

سەرەڕای ئەوەش تێکڕای دەنگە حقوقیەکانیش زۆرتر بە ناوی نەو خوداینامە دەرچوە کە ڕەگەزی ژن بوونە و بە بێ ناوی ڕان کە لە خودا هێنەکان وەکوو خودای سەرتر ناو نەبراوە، وەک هاوکار و یاریدەی خودا ئیزیەنەکان بوونە و بە بێ ناوی ڕان حوکمە ئادوونیە کان بەرێوەچوون.

بەهەر ئاراوەیەکی نێستا و سەردەمی ئیلام هەڵسەنگێنین کە ژن چ پێگەیەکی هەبووە؟! دەبێ بۆ ئەو هاکارانە بگەڕێین کە پۆچی ناوەها شارستانیەتێکی ڕووناک بەرەو خامۆشی ڕاداوە، بەڵام خاڵی زۆر گرنگ ئەمەیە کە حقوقی ئینسانی ڕەسمێکی بەزدانی هەبووە، لە ئیلامدا حقوقی بەزدانی و دنیای بەردەوام لە بەشێکی یەکجارەدا ئیشیان دەدرێت. لە زەوری بڵاگ دادوورییە کانما کە هی چاخی ئەوایی مەزنی «نیشمە کرب»ە، خوداینکی مێینە همە کە ناوی وکەو سەرچاوەی بەزدانیی یاسەکان یان بەڵێنە تۆمارکراوەکان، لە بڵاگەنامە کانما ئامێزی بەزدانی ئەمە بڵاگەنامە لە حقوقی ئیلامدا هەبووە ئیشیان کردە لە گەڵ دادوورییە کانما دا کۆکی لە لایەنی خودایی یاسەکان ئاکات. بەڵکوو نمایشی بەزدانییە کە بەلایەکە کان بە «ئک‌ین» (کە پێشتر ئامێزی پێ کرا) ناوی لێ دەبێن کە نیشانەی هێزێکی پاراستن و پەرەپێدانە کە لە سەرچاوەیەکی بەزدانییەوە نیشک ڕەوەگیرێت و بەبێ نەبم زیانی مرۆڤ دەکەوێتە مەترسییەوە. دەبێ لەبیرمان بێت لە فەرهەنگی ئیلامدا هەموو خوداکان شکۆی تایبەت بە خۆیان هەبە، بەڵام لە بواری حقوقیدا گەی‌نەن و «ئین ـ شوشیناک»ە دوری گرگیرئیان دەگیرا. هەروەها لە هەندێ دەقی شوشدا هەرکەسی پەیماننکێنی بکات، بەو مانایەیە کە بەختی پشتگیری نین ـ شوشیناک لە دەست دەدات. بەڵام نابێ لەبیرمان بچێ کە خودای مێینە ، نیشمە کرب، مسۆگەری بەرێوەبردنی زۆرەیی بەڵێن و یاساکانی حقوقیە، کە نەمەش ئیشاندەری پێگە و بارودۆخی بەرزی ژنە لە کۆمەڵگای ئەو سەردەمەی ئیلاما.

بەڵێ! دەبێ لەیەکەی کە ئەوروڕە زۆرترین ڕێژەی خۆکوژی ژنانی هەیە لە ئێرانما! بۆچی ئاسایشی ژنانی ئایینی ئەوەندە دابەزیوە؟! تا ئێرە ڕادەیەی کە ناتوانن لە پێگە و پێناسەی هەزاران ساڵ لەمەو نیشی ژنی ئیلامی، لە دەموو کێشەکانی ژنە ڕاوەستاوە.

ڕۆژانە نەتەنیا بێ‌خەیاڵ نەبووە، بەڵکوو لە بڕیاردەرانی سەرەکی بووە، بەتایبەت لە بواری کاروباری وڵاتما. بەڵام نەوروڕە ژنی ئیلامی هیچ جۆرە مافێکی هەبوازدەنی نیە. تەنانەت دابەزیوە دەبینرێ کە ئەوانیش وەکوو بواری خوێندنی باڵاشما کەسێکی‌تر بڕیاری بۆ دەدا...! ئایا ژنی ئیلامی بەم کاروەو تەوقی بەندەگی نەخەسنۆتە گەردنی خۆی...؟!

بەهەر حاڵ لە حقوقی ئیلامیا «بەندەی مێینەی هەستی» بە شێوەی خودای ئینسەکەوتب، لە سەروو چاودێری پێوەندی پیاوان دەکات، بەهۆی کە سەوگەر کردنی بەرنیوەردەی زاوەری یاسا و بەڵێنەکانی لە هێزی بێ‌گوتایی خودای ئیلامیەوە سەرچاوە دەگرێت. ئەمەش بەگوی لە سەرچاوە بەردانییە کانی حقوقی ئیلامیە، بەڵام لە حقوقی ئیلامیدا دەبێ ئامێزە بەوش بکرێت کە سوتند و گەواهی گەواهان دەورێکی بەرچاوی هەبووە، تا ئەو ڕادەیە کە لە هەندێ ڕەگەزدا ڕادەی گەواهەکان گەیشتۆتە (٤٢) کەس.

هەروەها خاڵ سەرنجڕاکێش ئەمەیە کە شەهادەتی ژن بە چەشنی پیلا قیوڵ بڕچاو و نادی ژن لە ڕاپۆرتە دادوورییە کانما وەکوو گەواه بەرچاو کراوە و نادی ژن لە ڕاپۆرتە دادوورییە کانما وەکوو لە قوودنما زۆرتر لە لای شازادەی شوونی یان لە لای خوداکانەوە نمایش دراوە. لە ئەوروی ڕاپۆرتە دادوورییە کانما دەبینرێ کە خودای مێینە نیشمە کرب لە پەنای نین ـ شوشیناک خودای تۆزینەوە وەکوو گەواه نامادە بووە و نیم نامادە بوونەش نیشاندەری بوونی «بەندەی مێینەی هەستی»ە کە بە ئەمەی بیری نیشەکەیانما، لە ڕاستیدا ئەمە ئەمەیە ئەمەیە نیشاندەری بەرزی ڕەنگ، بەڵکوو نیشانەی کە بەرچاڕگرتنی بەکسانی مافی ژن و پیاوە، کە نەوروکە یەکێ لە بنەما گرنگەکانی کۆمەڵگای کانی دەبێ کرایە.

بەراستی بە هەموویی ئاوەها شارستانیەتێکی پڕشکگداروو کە تەنانەت وڵامە پشکەوتووەکانیش لە بەرچاوبوونی ئاوا سیستەمێکی کۆمەڵایەتیدا ئاشەواتن: دەکرێ بێ‌خەیاڵ بین؟ بەڵام بابا نەوروکە لە ئیلاما ژن و پیاو خاوینی مافی بەرانبەر بوونە و وەکوو یەک چایان لێ دەکرێت!

زۆرم پێ‌خۆشە ئەوەی ژنانی ئیلام بۆخوان وڵامی ئەم پرسیارە بدەنەوە، هەرچەندە نەگەر بتوانن لە بەرەیسی بڕوا پیاوانە دگم و کۆنەپەرستانەوە تێپەڕن، ئینە چارەپێنن!!...

دێژێری هەمیە

چیرۆکی بیانی

ئەوینی لاوی

نووسەر: دیوید و. مەیر
وەرگێڕ: شەریفە سەلیمی

کتێبی (یووکەکەم)
کتێبی یووکەکەم؛ نووێترین بەرهەمی خاتوونەلیلەلەوریییە.
ئەم شاعیرە هەستیناسك ساڵێنکە لە بواری شێعر و مێسیدای منداڵدا چالاکی هەیە کتێبی یووکەکەم سێ نیشی لەگەڵ کە کاك گۆرانی حوسێن بەناهی مەسیدەی‌ئەوتاوە.
ئەم بەرهەمە ئێستا لە کتێبفرۆشی (نەڕێستا) بە دەس دەکەوێ.

یەکەمین حەوتەنامەی سەرانسەریی
فارسی- کوردی لە ئێراندا

دیدگاه
بەشی کوردی

حەوتەنامەی فەرهەنگی، هونەری، کۆمەڵایەتی، ناوبوری دیدگاه - ژمارەی ٦٩- یەکشەمە ٦ی رەزبەری١٣٩١

Didgah online:http://www.didnews.com Email: info@didnews.com

دڵی سوور دەگاتە قاهیرە

کۆمپانیای وابد مەنجیتنێتی فەرەنسی لە نمایشکردنی فیلمی سینەمایی «دڵی سوور» لە دەرهێنانی هەڵکەوت مستەفا لە پانۆرامای فیلمە نەورووبیەکان لە قاهیرە هەواڵیدا.

بە پێی هەواڵی کوردپرێس: پانۆرامایی فیلمە نەورووبیەکان بۆ بەکەمین جار لە ١٩٧٢ بە سەرپەرشتی هونەرمەندی ناوداری میسر (یوسف شاهین) دامەزرا و ساڵانە بە دیان فیلمی نەورووپی بۆ نمایش لە قاهیرە هەڵدەبژێرێت.

بە گوێرەی ئەم هەواڵە، بڕیارە هەڵکەوت مستەفا لە ڕۆژی ١٣/ی سوور کە دەوڵەتە مەیینەبەکانی ئافرەتی کە ڕەخنە لە هەڵبژاردنی ئەم ساڵ دەگرن، ئامادەی ئەم کارە بکات.

ئەم دەوڵەتە مەیینەبەکانی ئافرەتی کە ڕۆژی ٨ی ئەیلوولی ساڵی ٢٠٠٧ کۆچی دوایی کرد و بە ئامادەبوونی یاشار کەماڵ و نۆرەهان پامۆک نەمبەرد کرا.

دووهەمین کۆنفرانسی نێوەنەتەوەیی تۆیژەرانی کورد

دووهەمین کۆنفرانسی تۆیژەرانی کورد بە بەشداری بیرمەندانی کورد لە سەرانسەری جیهان و بەربرسانی حکومی هەرێمی کوردستان لە هەولێر بەڕێوەدەچێت. بەپێی هەواڵی کوردپرێس، کورد لە ڕۆژی ١١ی ئەی تۆکتۆبڕ/ ٢٠ی ڕەزبەر دەست پێدەکات و تا پێنج ڕۆژی کەش بەردەوام دەبێت. پرۆفیسۆر تالان دیلتی ڕاگەیاندە: بەربرسانی حکومی وک مەسعود بارزانی، نێچیرڤان بارزانی و نەرمەلان بابیر، لەگەڵ چەماوەری کورد لە سەرانسەری جیهان ئامادەی ئەم کۆنفرانسە دەبن. ئەم هەروەها لە هەواڵی سالانە کوردەوەی کۆنفرانسەکە بە داهاتوو هەواڵیدا و تی: لە ئێستادا ئەم کۆنفرانسە بە شێوەی دوو ساڵ جاریک لە هەولێر دەبێت و لە باقی ساڵەکانیدا لە وڵایێکی بەرێوەدەچێت کە ڕێژەی کورد لە چاو ڕێژەی چەماوەری لە وڵاتانە، ڕێژەیێکی بەرچاوە. بەرێوەبەری کۆنفرانسی جیهانی تۆیژەرانی کورد وتیشی: ئامانج لە بەرێوەچوونی ئەم کۆنفرانسە

ئاهەنگی یادی محەمەد ئۆزۆن لە سوئێد بەڕێوەدەچێت

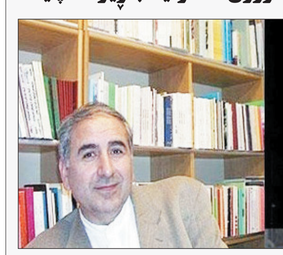

ئەمڕۆ لە سوئێد ئاهەنگی یادی محەمەد ئۆزۆن لە لایەن بڵاوکراوەی کۆچی ئیلی محەمەد ئۆزۆن، بە بەشداری نوسەران و سیاسەتوانانی تورکیا، سوێد و بە کێتی ئەورووپا لە ستۆکهۆلم بەڕێوەدەچێت.

بەپێی هەواڵی کوردپرێس: ئەم ڕێورەسمە بڕیارە هاوکات لەگەڵ ساڵڕۆژی مەرگی گەورە نووسەری کوردی تورکیا بە بەشداری بڵاوکراوەی ئازادی وڵاتانی تورکیا، سوێدی، ئاڵمانیا، ئەندەرەنگی ئیقتیسادی و جوان هاتج، گوڕانییێژی ناسیاوی کوردی سوریا، لە ١١ی ئۆکتۆبر بەڕێوەچێت.محەمەد ئۆزۆن لە دایکبوونی ساڵی ١٩٥٣ لە سیورک نۆرخایە، کە دوای دەستگیربوون و ئەشکەنجەی فراوان لە لایەن دەوڵەتی تورکیا، بۆ بە بەناهبری سوێد و لە ماوەی ژیانیدا گەلێك ڕۆمانی بە زمانەکانی کوردی، تورکی و سوێدی ب